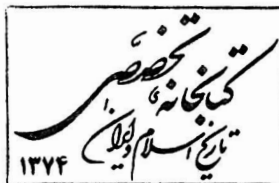


علماء و روشنائی تاریخ

خاطرات روحانیت لرستان
از روزگار قاجار تا ظهور انقلاب اسلامی

سید محمد سیف زاده



انتشارات سیفا

خرم آباد ۱۳۹۲

سرشناسه	: سیف‌زاده، محمد، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور	: علما در روشنائی تاریخ، خاطرات روحانیت لرستان از روزگار قاجار تا ظهور انقلاب اسلامی / محمد سیف‌زاده.
مشخصات نشر	: خرم‌آباد: انتشارات سیفا ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۱۲۶۹ ص، مصور
شابک	: ISBN: 978 - 600 - 5055 - 57- 3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: روحانیت -- ایران -- لرستان -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- لرستان -- سرگذشتنامه
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - روحانیت
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق. -- روحانیت.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ س ۹ ر ۱۵۶۳ / DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۲۴۳۷۴۳۶



انتشارات سیفا

علما در روشنائی تاریخ

خاطرات روحانیت لرستان

از روزگار قاجار تا ظهور انقلاب اسلامی

سیدمحمد سیف‌زاده

ناشر: سیفا

ویراستار: محمد کاظم علی‌پور

أمور رایانه‌ای: سهمیه اسدزاده - عاطفه اسدزاده / طرح جلد: یاسر دلفان

چاپ اول: ۱۳۹۲، شماره‌ی نشر ۷۶۴۸، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: طاهر

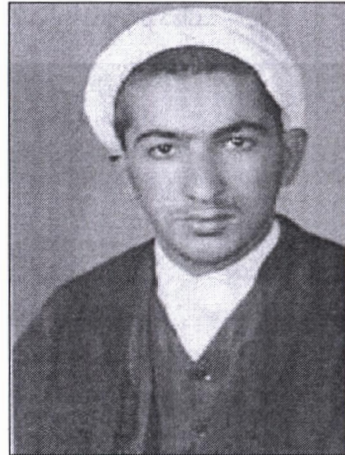
بها: ۶۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۵-۵۷-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرد امروز، دیروز، فردا

اندیشمند آگاه و مبارز حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مهدی قاضی



کمتر کسی توانسته گفتگوی کاملی با این مرد عرصه‌ی دیانت و سیاست داشته باشد اما گفتگو با این اندیشمند آگاه و مبارز در فضایی صمیمی انجام شد. ایشان در حقیقت، بنیان‌گذار بسیاری از حرکت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و عمرانی استان لرستان در قرن معاصر بوده‌اند.

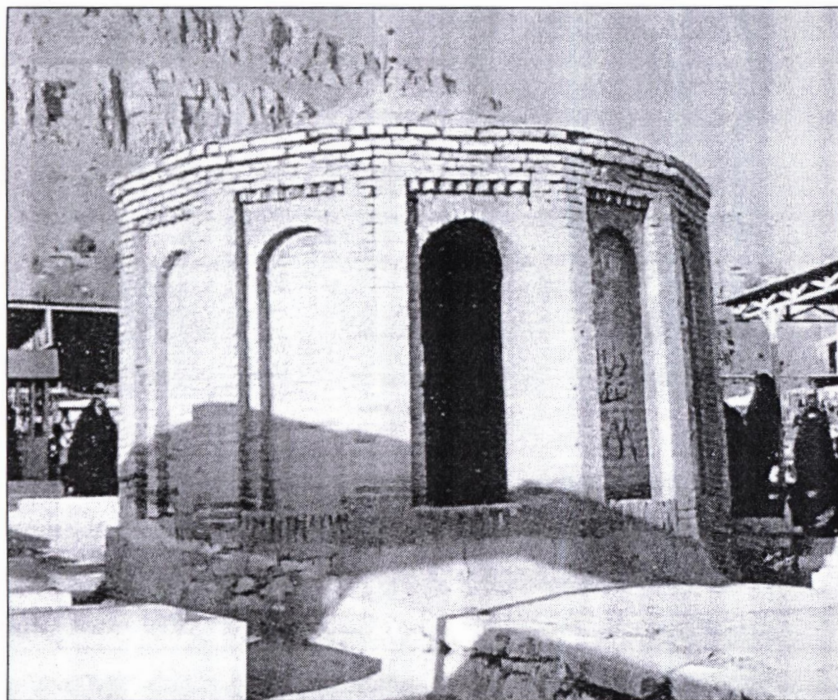
✽ به عنوان دیباچه کلام، لطفاً یک شمه‌ای از تبار خانوادگی تان را بفرمایید؟

کے متولد هزار و سصد و شش هستم. پدرم، مرحوم حاج آقارضا، شخصی مذهبی بود و اجداد آن‌ها هم همین‌طور. عموی بنده حاج شیخ عبدالله از علما بود و بیست

سال در نجف بودند و در همان جا هم وفات کردند. عموی پدر من، آقا شیخ نصرالله، از علماء نجف بود و به خرم‌آباد آمدند و مشغول تعلیمات و تبلیغات شدند. ایشان هم در خرم‌آباد فوت کردند. مقبره‌ی وی در خرم‌آباد است. جد سوم و چهارم ما مرحوم قاضی بوده که ایشان هم از علما بوده‌اند.

✽ این وجه تسمیه قاضی از چه زمانی شروع شد؟

از همان قاضی اول. تقریباً سه چهار پست ما قاضی بوده، که به نام میرزاحسن قاضی در شهر قضاوت کرده است. یک بنای خانه که در میراث فرهنگی وجود دارد، مربوط به آقا شیخ اسداله بوده است، که ایشان پدرم بوده‌اند.



مقبره مرحوم آمیرزاحسن قاضی جد اعلی خاندان قاضی

* در چه سنی به طرف تحصیل و علم آموزی روی آوردید؟



حجت الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی در دوران جوانی
همراه با اعضای خانواده

که تقریباً هفده هجده ساله بودم که به قم آمدم، هشت سال در قم بوده و تحصیل کردم. بیشتر هم از محضر مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی، اشراقی، تحصیل کرده و فقه و اصول را در محضر این آقایان آموختم. بعد مرحوم آیت الله کمالوند، رضوان الله تعالی علیه، در صدد افتادند که حوزه علمی‌ای در خرم‌آباد برقرار کنند. ما نیز جزء آن چند نفری بودیم که همگی به کمک ایشان رفتیم و تا آخرین روزی که ایشان

حیات داشتند، در خدمت ایشان بودیم من چندین سال در محضر ایشان تحصیل کرده‌ام.

* آشنایی شما با حضرت امام خمینی از چه سالی شروع شد؟

که البته من مرحوم امام را می‌شناختم. چون ایشان در مدرسه‌ی فیضیه، جلسه‌ی اخلاق داشتند. وقتی که طلبه بودم، به جلسه‌ی اخلاق ایشان می‌رفتم و روزهای جمعه هم شرکت می‌کردم. ولی اصل ارتباط ما بعد از فوت آیت الله کمالوند بود. بعد از فوت مرحوم آیت الله کمالوند، اهالی خرم‌آباد که به قم آمده بودند، خدمت امام رسیدند و اصرار زیاد کردند، که بعد از آقای کمالوند حوزه‌ی علمی‌ای را من اداره کنم. طلبه‌های خرم‌آباد هم همین‌طور از امام تقاضا کردند. بنده البته خیلی موافق نبودم، ولی حضرت امام به بنده فرمود: اگر شما دخالت نکنید من هم در خرم‌آباد دخالت نمی‌کنم. من مجبور شدم و پذیرفتم. ایشان دستور دادند و نمایندگی لرستان را برای من ابلاغ کردند و در تمام مدتی که در ایران تشریف داشتند، من با ایشان ارتباط داشتم.



امام خمینی در مسجد باجک قم در کنار آیت‌الله مومنی نجفی (ره) با حضور برخی از مردم خرم‌آباد

* کمک مالی حوزه به چه صورت فراهم می‌شد؟

ما تا جایی که می‌توانستیم، بستگان، فامیل [کمک می‌کردیم] و هرکس را که می‌دیدیم اهل وجوهات است، پیش او می‌رفتیم. تا آن موقع که آیت‌الله کمالوند حوزه را تشکیل داد، از این رو ایشان هم اوایل، حوزه را به‌زحمت تشکیل داد. خودش هم کمک می‌کرد. وضع مالیش خوب بود. آن موقع که البته طلبه‌ها خیلی حالت زاهدانه داشتند. مثلاً موقعی که مرحوم کمالوند فوت کردند، طلبه‌ها حقوق‌شان کلاً ماهی صدوپنجاه تومان بود. شهریه‌شان را ده بیست سی نفر تعهد داده بودند، که ماهی صدتومان تا صدو پنجاه تومان به‌حوزه بدهند. مرحوم آقای بروجردی هم ماهی دو هزار تومان می‌داد. نتیجتاً حوزه با همین پول‌ها روبه‌راه شد. ولی بعد که ایشان نفوذ پیدا کرد، طلبه‌ها رفتند در بخش‌های مختلف تبلیغ کردند. اشخاص را وادار کردند و مسایل را برایشان گفتند. دیگر مشکل مالی آن چنان نداشتند. یعنی کاملاً وجوهات می‌رسید و حوزه هم از نظر مالی تأمین می‌شد.

نامه امام خمینی، در خصوص مدرسه‌ی علمیه پس از رحلت آیت‌الله کمالوند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد و آله الطاهرين و لعنت الله

على اعدائهم اجمعين

چون پس از فوت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای کمالوند رحمت‌الله علیه دستجات و هیات و محترمین لرستان که برای تجلیل آن مرحوم به قم مشرف شده بودند از حقیر تقاضا نمودند برای حفظ و ادامه حوزه محترمه علمیه خرم‌آباد اقدام و دخالت کنم و حقیر به واسطه جهاتی سکوت کردم تا آنکه اخیراً مراجعاتی کتباً و شفاهاً از آقایان مدرسین و طلاب و فضلا و محترمین لرستان شد و اظهار نمودند که عدم دخالت حقیر ممکن است خدایی نخواستہ منجر به انحلال یا اختلال حوزه علمیه کمالیه شود لهذا نظر به لزوم بقاء حوزه علمیه در آن شهرستان

و نظر به اینکه باید برای این منظور شخص مورد اطمینان و وثوقی جهت تصدی امور مدرسه و جریان امور طلاب معظم نصب شود و نظر به اینکه جناب مستطاب ملاذ و الانام و ثقه الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی دامه افاضاته مورد تسالم مدرسین معظم و طلاب محترم می باشند به طوری که در این مدت از اظهارات آقایان محترم ثابت شد و نظر به آنکه جناب ایشان مورد وثوق اینجانب هستند معظم له را منصوب نمودم برای تصدی در امور مدرسه مبارکه کمالیه چه در امور مالی و چه در ایصال شهریه به حضرت آقایان مدرسین و طلاب محترم و چه سایر حوایج و پیش آمدهای حادثه و جناب ایشان وکیل اینجانب هستند در اخذ مطلق وجوه شرعیه سهم المبارک امام (ع) و سادات عظام و ایصال سهم سادات را به سادات فقیر محترم عقیف چه اهل علم باشند یا نه و صرف سهم مبارک امام علیه السلام و سایر وجوه منطبقه را جهت شهریه حضرات مدرسین معظم و طلاب محترم مدرسه کمالیه و سایر حوایج به هر نحو که صلاح بدانند و چنانچه زائدی باشد ایصال فرمایند نزد حقیر برای ادامه حوزه های علمیه و نیز مجازند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف و اخذ و صرف و ایصال و اوصیه ایدة الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروة الاحتیاط فی الدین و الدنیا و ارجو من جنابه ان لاینسانی من صالح دعواته و السلام علیه و علی اخوننا المومنین رحمه الله و برکاته

به تاریخ چهاردهم شهریور ربیع المولود ۱۳۸۴ هجری قمری

روح الله الموسوی الخمینی.

۱۴ / ۲۴ / ۱۳۸۶

بیتالی

میرزا
 مقام تربیت که عالی در بلاد
 بعد از هر یک در حق ما را ادا عودت را
 تمیز آنست که آقا رفقا حریفان را
 دادم و نرسد نفعه طمانینه
 اینست که توسط سطر اینست
 اینست در مورد لرزه
 عالی در تشریح و بیان
 و بعد از آن نفعه اینست
 شکرم از خداوند
 همراهِ خواجه و دیگران
 خیر دادم و الحمد لله
 علی

۱۷ شهرداد ۱۳۴۶

بیم

فردا صبح با بچه‌ها در کلاس درس به مدرسه می‌روم

مقدم ترین دهنه‌ها در فتنه‌ها را فرستاد

از پیکر بی‌سکه زخات و اتمام قبالی همه چیز که فرم
می‌قرار دادند در دستگیر شدیم و از زخات

در میان مدینه و امیر شدت است

فردا قبالی همه چیز ضریحیت فرار

مقدم ترین است اکنون به مکتوب رفیق

و جواب تمام جزیر مکتوب که در

ما قریب به جواب مادم

از قبالی مکتوب نیست

از قبالی و سایر

دعای خیر دارم و

بسم الله

قدرت جانی که در ستم و سزای خود را با حق تعالی
 بعضی بریند از خود بیگانه صورت و جوی که آن را در زمین می‌جویم
 محزون و در کمال غم که در کمال غم و در کمال غم که در کمال غم
 عیب جانی در صحت که در صحت که در صحت که در صحت که در صحت
 و شکرت و لذت خدای که در لذت خدای که در لذت خدای که در لذت خدای
 واضح است که صحت طلبیم مورد داشته در دوستی آن مکتوبه
 که بر طرف که آن هم مورد توجه از علم لایسته می
 صحتی است که لایسته وحدت که در علم و علم و علم و علم
 رگاتیم در غم و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم
 باشد هر که صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت
 در شان آیه و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت و صحت
 علی و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم و در غم

دفع بصرات علی انوار کماله
 سید محمد باقر
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۲

تاکید امام خمینی به وحدت کلمه و رفع اختلاف میان طلاب و علمای خرم‌آباد به تاریخ ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۸۴ قمری

۸۷/۲۴۱۵

بیانی

بزرگ فایده است در اسلام و حاضر در این
 رفیق رفیق و مهر و عشق و دوستی فایده را در این
 در اینک در نظر آید که است فایده در اسلام و شکر در این
 این با وجود که از نظر اینک هر چه در این است اول
 در هر دو قسم و اینک از هر دو جهت باشد که گفتی
 عام است مگر چون فرموده است که هر چه است در این
 از این جهت بسیار توقع است در این است
 اگر عوامی بر خود داشته بود عیب برات نیاید
 باشد در هر صورت از طرف اینان هم نماند
 و بیکر بعضی است این ظاهر است و هر چه است
 در این و محصلین و قدر است در این
 است و هر چه است فایده در این
 هر چه است دارد که فایده در این
 هر چه است با در این نام زالی که فایده
 هر چه است هر چه است که فایده

اینک از نظر اینک هر چه در این است اول
 در هر دو قسم و اینک از هر دو جهت باشد که گفتی
 عام است مگر چون فرموده است که هر چه است در این
 از این جهت بسیار توقع است در این است
 اگر عوامی بر خود داشته بود عیب برات نیاید
 باشد در هر صورت از طرف اینان هم نماند
 و بیکر بعضی است این ظاهر است و هر چه است
 در این و محصلین و قدر است در این
 است و هر چه است فایده در این
 هر چه است دارد که فایده در این
 هر چه است با در این نام زالی که فایده
 هر چه است هر چه است که فایده

موافقت امام خمینی با پیشنهاد دعوت آیت‌الله علی مشکینی به عنوان سرپرست حوزه‌ی علمیه خرم‌آباد و توصیه به عدم نوشتن نام امام خمینی به روی نامه‌ها و مکاتبات در دوران تبعید در نجف قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تاریخ ۱۳۸۷/۲۴/۵ قمری

میرزا

میرزا فیاض علی صاحب علم و دین اسلام در قاضی کرامت

مرقم تمیم که حال از کسب رابع زینت و در تفتن از خیر تو

تشکر کرد از برادر بون حوز دار که فرم ابی که بهت تالی

در برهانی تمثیل دلد فی مشکرم مراد و تالی است

بهر بانی رفیق فی تالی که در ترفی آوردن فی تالی

جمعه بدین در حدیث دست افشانه که بدین علم

تالی است است فی خزنه ششم که در حدیث

حوزم از تالی که در حدیث است

و در علم فرم ابی که در حدیث است

یکه در حدیث است در حدیث است

است در حدیث است در حدیث است

مکتب در حدیث است در حدیث است

دعوت به علم و غیر را خوانم

مکتب در حدیث است در حدیث است

مکتب در حدیث است در حدیث است

تاکید امام خمینی به برقراری حوزه مبارکه علمیه خرم آباد و دعوت از علما برجسته قم جهت تدریس در خرم آباد همچون حجت الاسلام صدیقین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

۱۵ رجب
۸۵

بسم الله

رسیده جانبی به بدسلامت حاج شیخ محمد مهدی قاضی
 حضرت زینت فاضل کرم و طبع مبین هم لادریت در تمام
 بعضی زینت مکتوبه آن مکتوبه در یک سلسله
 این مکتوبه صورت بعدی در این طبع مکتوبه
 مکتوبه است این جانب این مکتوبه در جواب مکتوبه خود را
 شد مکتوبه آن مکتوبه در عید عید عید عید
 مبارک و مبین باشد از خداوند تعالی در این وقت
 آن مکتوبه را در مکتوبه علم و کمال و تسبیح اتمام
 مکتوبه خود را در مکتوبه علم و کمال و تسبیح اتمام
 رجب ۱۲۸۵

یاسخ به تلگراف تبریک حجت الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی توسط امام خمینی (ره) در پانزدهم رجب ۱۲۸۵ قمری

* از حضور فداییان اسلام در خرم‌آباد، چه یاد دارید؟

کے با حضور فداییان اسلام در خرم‌آباد، ما کشیده شدیم به طرف مرحوم آقای کاشانی. منزل ایشان در پامنار بود. می‌رفتیم منزل داماد ایشان در قلهک، که تابستان‌ها آن‌جا می‌رفتند و هیأت دولت را هم در آن خانه تشکیل می‌دادند. نتیجتاً علاقه‌مند شدیم، به‌خاطر [اینکه در] همین نهضت نفت سهیم باشیم.

* خاطرات خود را از دوره‌ی فدائیان اسلام بفرمایید؟

کے فداییان اسلام را هشت‌بار تبعید کردند به‌خرم‌آباد. تقریباً سال ۲۶ [۱۳] و ۲۷ [۱۳] بود که این‌ها را منتقل کردند. یعنی تبعید کردند به خرم‌آباد. دوتای آن‌ها در منزل ما بودند و مثلاً من از آن‌ها پذیرایی می‌کردم. اتفاقاً مرحوم نواب هم نامه‌ای به‌من نوشته بود و تشکر کرده بود. در اثر این که با آن‌ها مرتبط بودیم و آن‌ها هم اوایل با مرحوم آیت‌الله کاشانی خیلی ارتباط داشتند. یعنی جز دست‌پرورده‌های مرحوم کاشانی بودند. روی این زمینه ما کشیده شدیم به طرف مرحوم آقای کاشانی.

* از فعالیت دیگر احزاب خرم‌آباد در دوره دگترمصدق بفرمایید؟

کے «حزب توده [آنجا] یک بازپرس و یک دادیار داشت. این‌ها خیلی طرفداری از حزب توده می‌کردند. کسی که فعالیت توده‌ای داشت، تا او را می‌گرفتند، می‌بردند دادگستری و بلافاصله این‌ها او را آزاد می‌کردند. مرحوم آیت‌الله کمالوند خیلی نگران و ناراحت بود. ایشان فعالیت کرده بود که شاید بتواند آن دو نفر را از آن‌جا بردارد. حتی به‌وسیله‌ی مرحوم آیت‌الله بهبهانی، آقای فلسفی و امام جمعه‌ی تهران، ولی نتیجه نگرفت. من یک‌روز خدمت آیت‌الله کمالوند رسیدم. ایشان بی‌نهایت از این جریان اظهار تأسف و ناراحتی کردند. بعد به بنده فرمود، که من همه‌ی راه‌ها را رفته‌ام تا بتوانم این‌ها را از این سمت‌شان برکنار کنم، موفق نشدم و با ارتش هم صحبت کردیم - آن موقع ارتش هم با توده‌ای‌ها مخالف بود- ولی دولت به آن‌ها آزادی داده بود. گفتند تنها راهش این است که توهین علنی به آن‌ها بشود و اگر توهین علنی بشود، خودشان مجبور می‌شوند از این‌جا بروند. از او پرسیدم چه باید کرد؟ من خیلی جوان بودم. در حدود بیست و دو سه‌سال بیشتر نداشتم. خیلی

احساساتی هم بودم. گفت: «راه‌حلش این است که آن‌ها را کتک بزنند.» گفتم: «من آمادگی دارم، اگر شما... ولی تنها نمی‌شود.» بعد ایشان چهار پنج نفر آماده کردند. آن‌ها هم یکی‌شان معمم بود. بقیه از بازاری‌ها بودند. ما فعالیت کردیم. این‌ها را در یک محلی شب پیدا کردیم. هیجدهم رمضان بود. ما رفتیم دیدیم، جلسه‌ی ناجوری دارند. آن‌جا با ایشان برخورد کردیم. آن‌ها هم با ما برخورد کردند. ما با آن‌ها به ناگریز مواجه شدیم و کارمان به کلانتری کشیده شد. بازاری‌ها در مخالفت با توده‌ای‌ها و حمایت از ما کرکره‌های مغازه را پایین کشیدند. بازار تعطیل گردید. مردم آمدند جلوی شهربانی و به‌نفع ما شعار دادند. مجبور شدند ما را آزاد کنند. فردا هم تعطیل عمومی شد و هر جا که توده‌ای‌ها بودند، کیوسکی هم که مطبوعات کمونیستی می‌فروخت، آن را هم از بین بردند. سرانجام قضیه به تهران کشیده شد و دولت مجبور به تعویض آن دو از خرم‌آباد گردید.

✽ **چطور شد که شما به انتشار یکی از اولین هفته‌نامه‌های خرم‌آباد، به‌نام**

صدای لرستان همت گماشتید؟ این دیدگاه از چه چیزی نشأت گرفت؟

که من جوان بودم و روزنامه‌ها را می‌خواندم. مخصوصاً روزنامه‌ی باختر امروز و علاقه داشتم که در خرم‌آباد این فعالیت‌ها شروع شود. من در فکر افتادم که یک روزنامه را به راه بیاندازیم. سن من آن موقع اجازه نمی‌داد، چون شرط آن‌ها این بود که من سی‌سال داشته باشم. من از عموزاده‌ام، مرحوم حاج روح‌اله قاضی‌زاده خواهش کردم که ایشان این امتیاز را بگیرند و من اداره کنم. ایشان هم گرفتند و ما هم اداره کردیم. بعد مقالات تندی را من نوشتم، که این کار باعث تعطیلی هفته‌نامه شد.

✽ **مقالات شما درباره چه موضوعی بود؟**

که یک دادستان روزها با زنش بیرون می‌رفت. این زن با وضع بی‌حجابی بیرون می‌آمد. من هم خیلی ناراحت شدم. یک مقاله نوشتم، که به دادستان احمق بگویند، به اعمال ننگین جنایت پیشه‌اش خاتمه دهد. این مقاله که چاپ شد، به ایشان خیلی برخورد. دنبال من بود و تعقیبم کرد، ولی نتیجه نگرفت و موفق نشد. صدای

لرستان را توقیف کردند و ما روزنامه‌ی دیگری را درست کردیم، به نام ندای لرستان، که متعلق به مرحوم خطیب‌زاده بود و چند شماره او را اداره کردیم.



حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی و حجت‌الاسلام سیدکاظم طاهری. در سال‌های انتشار هفته‌نامه صدای لرستان

✽ مثلاً یک خبر است، به‌عنوان تجمع از حمایت آیت‌الله کاشانی، در تلگراف‌خانه‌های خرم‌آباد؟

که بله ما با مرحوم آیت‌الله کاشانی خیلی ارتباط داشتیم.

✽ این خبر، چه موقعی رخ داد، که شما آن را درج کردید؟

که موقعی بود، که انگلستان افتاده بود، به‌فکر این‌که در ایران دخالت کند. مرحوم آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق اعلامیه دادند. ما هم در خرم‌آباد این کار را کردیم. تجمع کرده و روزنامه‌ها را منتشر کردیم. حجت‌الاسلام شیخ‌رضا خطیب‌زاده و حجت‌الاسلام سید کاظم طاهری در آن زمان با مطبوعات لرستان همکاری می‌نمودند.



حجت‌الاسلام شیخ رضا خطیب‌زاده



حجت‌الاسلام سیدکاظم طاهری

✽ تعداد شمارگان را به یاد دارید؟

که آن موقع افراد روزنامه‌خوان زیاد نبودند و ما چهارصد، پانصدتا منتشر می‌کردیم.

✽ ندای لرستان بیشتر منتشر شد یا

صدای لرستان؟ صدای لرستان.

✽ انتشار صدای لرستان چند سال طول

کشید؟

که هر دو هفته‌نامه بیش از یک‌سال طول کشید.

✽ حوزه‌ی انتشار آن‌ها لرستان بود یا

استان‌های هم‌جوار هم می‌رفت؟

که خیر همه‌جا می‌رفت.

✽ اخبار، فقط اخبار شهروندها بود یا

اخبار روستاییان و رخدادهای بخش‌ها را

هم می‌گفت؟

که همه چیز، مخصوصاً فعالیت‌های سیاسی،

هر چه که بود وارد روزنامه می‌کردیم.

✽ برای چاپ و نشر هر شماره‌ی نشریه ضرر هم می‌دادید؟
که بله، همه‌ی آن ضرر بود، چون آن موقع آگهی و این حرف‌ها نبود، که
دستگاه‌های دولتی آگهی بدهند.

✽ چاپخانه در کجا واقع بود؟

که چاپخانه‌ی دانش، مرحوم حاج کریم‌پور.

✽ نقش مرحوم حاج سید کاظم طاهری چه بود؟

که ایشان سخنرانی می‌کردند و طرفدار مرحوم آقای کاشانی بود و در مجالس هم
سخنرانی می‌کرد. و گه‌گاهی هم مطلبی می‌نوشتند.



حجت‌الاسلام و المسلمین سید کاظم طاهری، سخنور نویسنده، شاعر و ادیب لرستانی
که از بستگان شیخ مهدی قاضی بود و در تهیه مطالب هفته‌نامه صدای لرستان زحمات فراوان کشید

✽ مقالاتی را به غیر از شما از آیت الله شیخ علی اصغر مروارید هم دیده ایم که در نشریه صدای لرستان نوشته اند، چه کسانی مقالات را می نوشتند؟
که ما اعلام کرده بودیم، که هر کس مقاله بنویسد، ما آن را چاپ می کنیم. افراد مختلفی می نوشتند و ما هم چاپ می کردیم. آیت الله مروارید هم می نوشت.



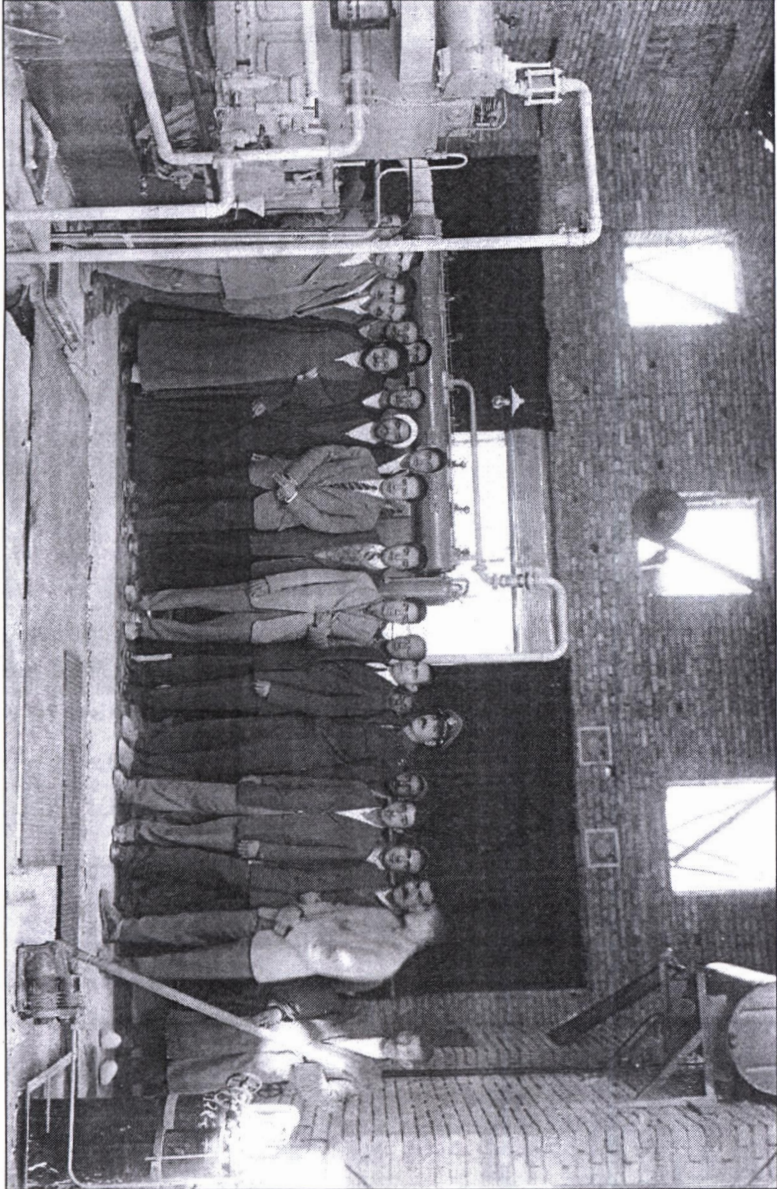
حجت الاسلام شیخ مهدی قاضی، حجت الاسلام و المسلمین شیخ رضا خطیبزاده و حجت الاسلام حاج سید کاظم طاهری

✽ آیا حزب یا گروهی افکارشان را چاپ می کردند؟

که خیر، ما نمی گذاشتیم. مرحوم آیت الله کمالوند هم استقبال می کردند.

✽ فعالیت های عمرانی و تأسیس کارخانه ی برق از کجا شروع شد؟

که مدتی بود که خرم آباد برق نداشت و فرمانداری هر چقدر که فعالیت می کرد، بی نتیجه بود. یک فرمانداری بود به نام شریفی، که هر چقدر که فعالیت می کردند، نتوانستند که کارخانه برقرار شود. بعد به ما اصرار کردند، که شما این کار را انجام بدهید. من همین طور بی مطالعه شروع کردم به این کار تا این که با اخوی ام، دوتایی کارخانه ی برق را راه انداختیم. آن موقع همه ی این ها سه میلیون هزینه می خواست. مثلاً موتور برق را به اقساط سی ماهه یا چهل ماهه می گرفتیم. روی زمین ها سرمایه گذاری زیادی لازم نبود، اما بعد که وارد کار برق شدیم، دیدیم سرمایه گذاری زیادی می خواهد.



حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی قاضی، حجت الاسلام سید کاظم طاهری، حاج روح الله قاضی زاده، حاج عبدالرحمن قاضی در مراسم افتتاح کارخانه برق، شرکت سهامی روشنائی خرم آباد ۱۳۳۵/۹/۱۱ همراه با جمعی از مهندسیین و پرسنل و رجال وقت.

* حدوداً چند شعله بود؟

که تمام شهر را پوشش می‌داد، کارخانه چهار تا موتور داشت.

* اولین مهندسینی که در آن جا به کار برق وارد بودند، را به خاطر دارید؟

که بله، یک نفر بود، به نام مهندس میری، که وقتی به تهران رفتم، آن جا فعالیت می‌کرد و ایشان را پیدا کردیم و آمد و سرپرست شد و تا آخر کار هم بودند. شروع کارخانه سال ۳۵ و خاتمه‌ی آن سال ۴۸ بود. دولت آمد و مقرراتی وضع کرد، که کارخانجات را از بخش خصوصی بگیرد و کارخانه‌ی ما را هم گرفتند. مکان آن خیابان علوی (ششم بهمن سابق) بود.

* هزینه‌ای که از مردم گرفتند، چه مقدار بود؟

که چهارصد تومان و حدوداً با اقساط پانزده ماهه و بیست ماهه.

* چطور شد که به فکر توسعه‌ی شهر، به شکل مدرن افتادید و آن را از

بافت سنتی خارج کردید؟

که خرم‌آباد، از نظر مسکن در مضیقه بود. کسی که بیاید و در سطح مسکن، انبوه‌سازی کند وجود نداشت. ما هم یک‌زمینی خریدیم، در حدود یک‌میلیون متر و کلیه خانه‌ها هم که ساخته می‌شد، با اقساط طولانی، مثلاً خانه‌هایی با ماهی پانصد تومان می‌فروختیم. نتیجتاً اکثر زمین را ما ساختیم. من با اخوی‌ام، حاج نورالدین شریک بودیم، که هم زمین می‌فروختیم و هم ساختمان می‌ساختیم.

* تسطیح آن چقدر طول می‌کشید؟

که خیلی طول کشید. چون تمام آن تپه ماهور بود و پنج تا بلدوزر گذاشته بودیم و این‌ها دائماً کار می‌کردند و تسطیح می‌کردند و وقتی که تمام می‌کردند شروع می‌کردیم به ساخت و ساز. سال چهل و هفت شروع شد و تا پیروزی انقلاب ادامه داشت.

* طراح و مهندسین این خانه‌ها شخص خاصی بود یا فقط بناهای محلی بود؟

که ما از مهندسین دفتر فنی در خرم‌آباد استفاده می‌کردیم، اکثر آن‌ها غریبه بودند. آن موقع لرستان مهندس نداشت و مثل امروز نبود و کوچ‌بندی و همه‌ی کارها با خودمان بود.

* آیا کارشکنی در کارها می‌شد؟

کمی یک‌مقداری، چون در دوران قبل از انقلاب من نماینده‌ی امام خمینی بودم، در فکر بودند، که به من ضربه بزنند. یک‌موقع اداره‌ی منابع طبیعی نامه نوشته بود به‌ثبت، که این زمین‌هایی که ایشان دارد، همه جزو منابع ملی است و نگذارید که این معامله انجام بگیرد و به ادارات نوشته بودند، که به من پروژۀ ندهند. بعد به‌تهران آمدم و به اداره حقوقی منابع طبیعی رفتم و به آن‌ها ثابت کردم که بی‌خود می‌گویند و آن‌ها هم دستور دادند، که دخالت نکنید. باز هم یک، دو مورد آن‌جا نیاز به یک منبع آب داشت و ما به‌فکر یک‌منبع آب بزرگی افتادیم، که آن را درست کنیم و الان این منبع آب هست. باز هم ساواک، اداره‌ی منابع طبیعی را وادار کرد که بیاید و از ما شکایت کند. به عنوان این‌که ما زمین دولت را تصرف کرده‌ایم. آن‌ها هم یک مدت زیادی دنبال گرفتند، ولی ما ثابت کردیم، که این زمین متعلق به ما است.

* حدوداً در این مقطع، چقدر هزینه بود؟

کمی در حدود بیست میلیون تومان، در اواخر چهل و اوایل دهه پنجاه خورشیدی.

* یک مدرسه به نام دبیرستان علوی تاسیس گردید. به‌دنبال چه

اندیشه‌ای بودید که ساواک آن‌را زیر نظر داشت؟

کمی عرض کنم، من یک استادی در قم داشتم، به نام علامه کرباسچیان، که نزد ایشان درس می‌خواندم. اسمشان کرباسچیان بود و معروف بودند به علامه. ایشان بسیار بسیار آدم با تقوا و خدانشناسی بود و در قم درس می‌دادند. یک‌دفعه ایشان تدریس را رها کردند و به تهران رفتند. با ایشان صحبت کردیم، گفت: من تشخیص داده‌ام بهترین راه این است که از طریق مدرسه و دبیرستان بچه‌ها را تربیت کنیم. ایشان رفتند و نتیجه هم گرفت.

الان هم اکثر رجالی که در مملکت هست، از شاگردان ایشان هستند. ما هم دیدیم، که بهترین راه این است که این کار را انجام بدهیم. ما رفتیم و با ایشان صحبت کردیم و ایشان هم قبول کردند و سه نفر از معلم‌ها و دبیرهایش را به خرم‌آباد فرستاد؛ یکی، آقای محمودی، دومی، آقای پارسا و سومی را به یاد ندارم.

این اشخاص غیر روحانی بودند و تدریس می‌کردند و با بچه‌ها از نظر فکری خیلی کار می‌کردند. بعد ما مدرسه را راه انداختیم.

دو، سه سالی بود، که مدرسه آغاز به فعالیت کرده بود. تا این‌که گفتند عکس شاه را بزنید در اتاق‌هایتان. من رفتم به نجف‌اشرف و از حضرت امام کسب اجازه کردم. ایشان گفتند نه اصلاً این کار را نکنید. گفتم: مدرسه را می‌بندند. گفت: ببندند. ما به خرم‌آباد آمدیم و دبیرستان را بستند. آقای محسنی و محمد یگانه جز افرادی بودند، که خیلی در آن‌جا کار می‌کردند.

* مدرسه علوی رایگان بود یا شهریه می‌گرفتید؟

که خیر ما غذا می‌دادیم و سرویس هم داشتیم، ترمی هزار و پانصد تومان می‌گرفتیم.

* اسم مدرسه‌ی علوی از چه چیزی نشأت گرفت؟ چون یک مدرسه‌ی

علوی هم در تهران بود؟

اسم علوی مربوط به همان استاد ماست. مرحوم علامه کرباسچی آن مدرسه‌ی را در تهران به وجود آوردند. او اسم مدرسه را علوی گذاشت و ما هم با تبعیت از او اسم مدرسه را علوی گذاشتیم. تأسیس مدرسه اواسط پنجاه بود.

* مدرسه، مقطع ابتدایی بود

یا دبیرستان؟

که دبیرستان فقط پسرانه بود. ما افراد را بررسی می‌کردیم.



علامه کرباسچی

افرادی انتخاب می‌کردیم، که هم از نظر خانوادگی و هم از نظر اخلاقی تأیید شوند. آن وقت ثبت‌نام می‌کردیم.^۱

✽ شخصیت آیت‌الله کمالوند، که استاد شما بودند، چطور شخصیتی بود. چون نقش ایشان قبل از پانزده خرداد به عنوان نماینده‌ی امام و مراجع در قضیه‌ی ملاقات با شاه برجسته است؟

کج ایشان فردی به تمام معنا با تقوا، عالم از نظر علمی و در ردیف آیت‌الله گلپایگانی و امام بوده‌اند و اگر در قم می‌ماندند، قطعاً جزء مراجع تقلید می‌شدند. شخص بسیار فعالی بود و حوزه‌ی علمیه‌ی خرم‌آباد را بر قرار کرد و قبل از این‌که ایشان حوزه‌ی علمیه را بر قرار کند، لرستان افراد مذهبی زیادی داشته است. ولی از وقتی که ایشان فعالیت کرد و از روستاهای مختلف طلبه آورد، این طلبه‌ها می‌رفتند و تبلیغ می‌کردند. آیت‌الله کمالوند شب‌های جمعه طلبه‌ها را می‌فرستادند به دهات برای تبلیغ کردن.



حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی قاضی، آیت‌الله شهرستانی، حجت‌الاسلام سیدکاظم طاهری

وی نقش مهمی در پیشرفت اسلام در لرستان داشته‌اند. از نظر علمی هم خیلی بالا بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی خرم‌آباد تدریس می‌کرد. فردی بود که همه‌ی مراجع و

۱. در سال ۱۳۸۷ دبیرستان علوی مجدداً با مساعدت آیت‌الله قاضی مورد بازسازی و نوسازی قرار گرفت.

علماء او را می‌شناختند و به او اطمینان داشتند و بعضی اوقات خدماتی انجام می‌دادند.

✽ چطور شد که به این فکر افتادید، که شهید آیت‌الله مطهری و علمای برجسته‌ای مثل آیت‌الله العظمی سبحانی، آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی و شخصیت‌هایی مثل شهید حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد را به خرم‌آباد بیاورید؟

که ما برای این که انقلاب جا بیفتد و جوان‌ها به انقلاب گرایش پیدا کنند، بهترین راه را دیدیم که از افراد برجسته دعوت کنیم، بیایند به این‌جا. آیت‌الله مکارم را ما دو بار به خرم‌آباد آوردیم. آیت‌الله سبحانی را سه بار در ماه رمضان به خرم‌آباد آورده‌ام. شهید هاشمی‌نژاد، شهید مطهری و آقای مفتاح را نیز دعوت کرده و به خرم‌آباد آوردیم. مرحوم شیخ احمدکافی، چون با مرحوم آیت‌الله مدنی رفیق بود، وقتی که مرحوم آیت‌الله مدنی را به خرم‌آباد آوردیم، ایشان هم آمد و جلسه برقرار کرد.

✽ موسسه‌ی مذهبی فاطمیه را چطور بنیاد کردید؟

که ما در فکر بودیم، که یک تشکیلاتی برای خواهران و زنان در خرم‌آباد ایجاد کنیم. یک‌روز ما در فکر محلی بودیم، خواهرها در این‌جا مراسم مذهبی داشته باشند. مرحوم حاج نبی مصطفی‌زاده با یک خانم صحبت کردند و ایشان هم قبول کردند که زمین را واگذار کنند. یک خانمی بود (به‌نام بیگم برخوردار)^۱ که آن خانم زمین آن‌جا را داد. بعد ما در فکر بودیم، که کسی این‌جا را بسازد. با مرحوم حاج

۱. مرحوم بیگم برخوردار، منزلی را در میدان شهدا برای تنها پسر خود غلام‌شاه گذاشته بود. وقتی پسرش به علت حادثه‌ای فوت می‌کند، به پیشنهاد علما و مجتهدین، زمین در اختیار مرحوم حاج نبی مصطفی‌زاده قرار گرفت و ایشان با زحمات فراوان و با کمک معمار حافظ قرآن و اساتید فن و بنای مجرب به شکل زیبایی با نماکاری زیبا و جذابی که در سنگ‌کاری به کار برده، که قریب چهل سال است جاذبه‌ی خاصی در وسط شهر خرم‌آباد دارد. ساخت موسسه‌ی فاطمیه مورد اعتراض حکومت قرار گرفت، چون در نیات آن‌دوره، ایجاد سینما و مراکز فساد در خیابان‌های اصلی جز اهداف مهم به‌شمار می‌رفت. لذا این ساخت و ساز به بازجویی و بازداشت اشخاص نیز انجامید. آیت‌الله سبحانی در همین کتاب به نقش مهم ساخت این مجموعه اشاره فرموده است.

نبی مصطفی زاده صحبت کردیم و ایشان همه‌ی هزینه‌ی آن را تقبل کرد و آن‌جا شد مرکزی برای خواهرها که مراسم مذهبی دارند.

✽ تأسیس دانشگاه قم از کجا شروع شد؟

که اول انقلاب کمونیست‌ها خیلی فعالیت داشتند. من یک‌سفر به قم آمدم. از جامعه‌ی مدرسین به من اطلاع دادند، از طریق مرحوم شهید باهنر و شهید بهشتی، تا راهی پیدا شود که جلوی فعالیت این‌ها در مدارس و دبیرستان گرفته شود. بهترین راه این بود، که یک دانشگاهی درست کنند و طلبه‌ها را به آن‌جا آورده، تا در این دانشگاه، از نظر علمی تقویت شده و به دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها بروند. یک‌سال طول کشید و موفق نشده بودند، که راهش را پیدا کنند. به قم که آمدم، پیشنهاد شد، که این کار را انجام بدهم. قبول کردم و گفتم؛ به شرطی که یک‌سال یا شش‌ماه بیشتر در قم نمانم و وقتی که راه افتاد، بروم. بدون کمترین امکاناتی شروع کردیم به فعالیت و به لطف خدا در مرحله‌ی اول دویست سیصد نفر در دانشگاه قم از طلبه‌ها را آوردیم و یواش‌یواش زیاد شدند. بعد به فکر افتادیم که دیپلمه‌ها را بیاوریم. الان شش‌هزار نفر دانشجو داریم. البته بیشتر فعالیت ما از سال شصت و هفت شروع شد.

✽ خاطره و صحبت خاصی از امام در ذهن دارید که به شما گفته باشد؟

که امام خمینی معمولاً کم حرف می‌زد. شب‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء جلسه داشتیم و پانزده نفر می‌آمدند و امام خیلی کم حرف می‌زدند. اما من یک‌روز که به سفر نجف اشرف رفته بودم، به ایشان عرض کردم، که من علاقه دارم، از مدیریت حوزه‌ی خرم‌آباد استعفا بدهم و جنابعالی اجازه بدهید، که من استعفا بدهم. ایشان گفتند؛ اگر شما استعفا بدهید، من هم نمی‌توانم کاری انجام بدهم. من به حرم می‌روم و برای شما دعا می‌کنم. وقتی در سفر اول به نجف‌اشرف رفتم، حدود پانزده‌سال بود، که امام مرا ندیده بود. وقتی رسیدم، کربلای معلی بود. تا چشمش به من افتاد گفت؛ شما قاضی نیستید؟ گفتم: چرا. من از راه‌های مختلفی می‌رفتم. از راه هوایی، اول به کویت و از آن‌جا به عراق می‌رفتم و نامه‌های امام بصورت پنهانی به واسطه شیخی در کویت برای من می‌آمد.

✱ اوایل انقلاب یک نامه‌ای از شهید دکتر بهشتی هست، که بیشتر در قم بمانید و پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها به خرم‌آباد بیایید؟
که بله، یک عده‌ی زیادی از مردم آمدند به قم و رفتند خدمت حضرت امام. تقاضایشان این بود، که من به خرم‌آباد بروم. امام ارجاع دادند به مرحوم شهید بهشتی و شهید بهشتی هم وقتی دیدند، که من دارم دانشگاه را راه می‌اندازم، قبول نکرد، که من بروم. فقط گفت؛ شما پنج‌شنبه و جمعه بروید.

نامه رئیس دیوان عالی کشور حضرت آیت الله دکتر بهشتی به حجت الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی
پسندیده عالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی، بدایت انعامات
با تقدیم تحیت و سلام بفرمانت معتمد و مردم پر مهر خرم‌آباد
نجات به جنابعالی علاقه‌مند و تأکید می‌کنند که به آنجا
بازگردید. در همین حال نفس مؤثرها در مدرسه عالی
قضایی و تهیتی نسیم لاجاب بکنند که عرضاتر ماندن شما
در قم باقیم . به نظر سرمد اگر پنجشنبه و جمعه را به
خرم‌آباد بروید و انعام دیگر در قم باقیمد جمع میان هر دو
می‌باشد. از خداوند تعالی بران شما توفیق آرزو می‌گیم.

والسلام و تحیات و رحمة الله
محمد حسین بهشتی
۰۹/۱۱/۲۲

حاج شیخ مهدی قاضی
رئیس دیوان عالی کشور
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۲۲

نامه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و آیت‌الله منتظری
در خصوص اقامت حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مهدی قاضی در شهرستان قم به سال ۱۳۵۹ خورشیدی (برگ اول)

بروند به عراق، نزد آقای خمینی، ولی من با وسائلی که داشتم، فعالیت زیادی کردم و اجازه گرفتم و بار دوم و سوم دیگر کاری نداشتند.

✽ شخصیت امام را در طول تاریخ چگونه دیده‌اید؟

که نظیر نداشت، فوق‌العاده بودند.

✽ رمز موفقیت زندگی خود را در چه می‌بینید؟

که لطف خدا.

✽ چه پیامی برای نسل‌های بعد از شما که می‌آیند دارید؟

که بهترین صحبت این است، که خودشان را مجهز به علم و اخلاق کنند. یعنی اگر واقعاً جوانان ما از نظر علمی و اخلاقی نمونه باشند، جمهوری اسلامی در اوج قرار می‌گیرد و بهترین راهش این است، که تحصیل بکنند و هم از نظر اخلاق خودشان را مجهز کنند. و همه رجال و شخصیت‌ها دست به دست هم بدهند و فعالیت کنند.



حجج اسلام حاج سیدیداله صدری، حاج سیدعیسی جزایری، حاج شیخ‌مهدی قاضی و حاج سیدعلی‌اکبر شاهرخی

جریان مشروح تحصن و اجتماع اهالی خرم‌آباد لرستان به روایت نشریه صدای لرستان با مدیریت حجت‌الاسلام شیخ مهدی قاضی به شرح زیر درج شده است:

صبح روز یکشنبه ۳۰/۶/۲۴ که بنا بود، جلسه علنی مجلس تشکیل گردد، مردم ضمن تعطیل عمومی، دسته دسته به تلگرافخانه آمده و به منظور پشتیبانی از نخست‌وزیر و تنفر و انزجار شدید از عمال بیگانه و مزدورانی که از طرف اربابان خود، دستور اخلال داشتند، تجمع نمودند. نشریه‌ی صدای لرستان نیز با انتشار اعلامیه، مراتب پشتیبانی و فداکاری و از خودگذشتگی اهالی لرستان و خرم‌آباد را تذکر داده و در نتیجه ده‌ها هزار نفر از اهالی خرم‌آباد در تلگرافخانه حضور بهم رسانیدند. تقریباً از طرف اصناف مختلف و مجمع محترم سادات پانزده نفر تلگرافی مبنی بر پشتیبانی کامل از دولت و تفضای فوری، به‌منظور رأی اعتماد به مجلس و پشتیبانی از حضرت آیت‌الله کاشانی و جناب دکتر مصدق در وزارت کشور و اداره‌ی تبلیغات، مخابره نمودند و در خلال این ماجرا دانشجویان و جوانان، فوج فوج با حرکت منظم و پرچم‌های سهرنگ، در خیابان‌ها گردش کرده و سپس به‌صحن تلگرافخانه وارد گردیدند. فضای تلگرافخانه مملو از احساسات بی‌شائبه شده و نطق‌های آتشین در صحن تلگرافخانه طنین‌انداز بود.

فریاد زنده‌باد حضرت آیت‌الله کاشانی و پاینده‌باد جناب دکتر مصدق، نخست‌وزیر ملی طوری بلند می‌شد، که به‌آسانی در تمام شهر شنیده می‌شد. همچنین صدای مرده باد وکلای مزدور و بیگانه‌پرست، صحن پست و تلگراف را پر نموده بود. اینک متن یک‌شماره تلگراف اهالی خرم‌آباد را ذیلاً درج و متن دوشماره جوابیه‌ی حضرت آیت‌الله کاشانی و جناب دکتر مصدق، نخست‌وزیر را نیز از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرانیم.

به وسیله جناب آقای کشاورز صدر نماینده به ساحت مقدس مجلس شورای ملی
رونوشت جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر محبوب و ملی ایران -
رونوشت اداره تبلیغات

اهالی لرستان و خرم‌آباد، نیکو تشخیص داده‌اند، امروز را که مقرر است مجلس شورای ملی به‌دولت جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب و ملی ایران رأی اعتماد مرحمت نماید. برای خود یکی از پرارزش‌ترین روزهای تاریخی فرض نموده و با نهایت بی‌صبری و شتاب مراتب پشتیبانی و فداکاری و از خود گذشتگی و

جان‌بازی خویش را از دولت محبوب مصدق اعلام و ضمن تنفر و انزجار شدید از اجانب و بیگانه پرستان استدعا دارم، به دولت جناب ایشان رأی اعتماد مرحمت فرمایند و ضمناً تا حصول رأی اعتماد و تعیین تکلیف قطعی، اهالی لرستان و خرم‌آباد از تحسن خارج نخواهند شد.

امیدواریم خبر مسرت‌بخش رأی اعتماد را تلگرافاً اطلاع که با انبساط و سرور از تحسن خارج شویم.

از طرف اهالی



این عکس توسط سیدعزیزاله رضوی، از مرحوم حاج سیدعیسی محمدیان و فرزندانش در باغ سادات خرم‌آباد گرفته شده است.

متن تلگراف جوابیه مرکز به جنابان آقایان؛ روح‌اله قاضی‌زاده و سایرین
تلگراف ۱۸/۱۶۴ احساسات و عواطف عالیه جنابعالی و آقایان محترم در
پشتیبانی و تقویت از منویات ملت ایران موجب کمال امتنان است. توفیق عموم
براداران دینی را در این مبارزه ملی از خداوند متعال مسئلت نموده، امیدوارم با
پشتیبانی و هم‌آهنگی ملت شریف ایران، دست اجانب برای همیشه از دامان کشور
کوتاه گردد.

سید ابوالقاسم کاشانی

توسط جناب آقای روح‌اله قاضی‌زاده و حاج سیدعیسی محمدیان، حضرات
آقایان محترم ۳۰/۶/۱۷ تلگرافی توسط جناب آقای صدر کشاورز نماینده محترم
مجلس شورای ملی عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید.
از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبیم.

دکتر محمد مصدق

مقارن ساعت ۱۴ بعد از بازدید، سخنرانی جالبی ایراد و بر هیجان عمومی افزود
و به ابراز احساسات مردم در محیط تلگرافخانه پاسخ داد. جمعیت ابراز احساسات
می‌نمودند. (در جایی دیگر از این روزنامه عنوان شده است.) به مناسبت عید سعید
غدیر، شب پنجشنبه ۳۰/۶/۲۸ از طرف آیت‌الله کمالوند، در مدرسه‌ی علمیه، جشن
باشکوه‌ی تشکیل و مجلس ساعت ۸/۵ به وسیله بیانات سخنور محترم، آیت‌الله
مرورید پایان یافت. گهگاه در لابه‌لای هفته‌نامه‌ی صدای لرستان اعلامیه‌ها و
بیانیه‌هایی نیز منتشر می‌شد همانند بیانیه‌ی زیر که بدین مضمون است:

بیانیه

بنام خدای توانا

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

همشهریان عزیز، مردم شرافتمند و مسلمان عشایر میهن‌دوست و مبارز لرستان
چندروز گذشته، اعلامیه‌ای از طرف جمعیت موهومی بنام طرفداران امنیت لرستان
منتشر شد، که افکار نویسنده و ناشران آن و همچنین طرز تفکر و عقاید و
حقیقتشان از مطالب اعلامیه آشکار بود. دروغ‌پردازی و گزافه‌گویی‌های آنان ثابت

نمود، که تا چه اندازه پایه‌های اخلاق و دانششان رو به انحطاط گذاشته و ابرهای متراکم جهل و نادانی و شیطان‌های ناپاکی و افسار گسیختگی، روح انسانیت آنان را پوشانیده است.

این بی‌وطنان نادان که به وقیحانه‌ترین وجهی خود را مفتضح ساخته بودند، اگر سیل خروشان احساسات مردم را که از مطالعه آن ورق‌پاره، از چهره‌هایشان هویدا بود، مشاهده می‌کردند، به خوبی از خواب جهل بیدار شده و می‌فهمیدند که محیط لرستان و مردم متدین آن، هنوز آماده پذیرش افکار فاسد و ضد دین آن‌ها نمی‌باشند.

این حقایق به خوبی روشن است و همه این‌گونه بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی را که نویسندگان و ناشرینش، احمقانه خود را مفتضح می‌کنند، با یک‌لبخند تمسخرآمیز جواب می‌دهند و لذا ما نخواستیم در جواب آن موهومات، چیزی بنگاریم، ولی ناچار برای آشکار نمودن حقیقت امر و برای این‌که ثابت کنیم، این عناصر فاسد، چرا اقدام به انتشار این‌گونه اعلامیه‌ها می‌نمایند، عرض می‌کنم، آقایان علماء گرام، پیشوایان عالی‌قدر لرستان که این مزدوران به‌شما توهین نموده و به‌ساحت مقدس شما این‌طور وقیحانه افترا و تهمت می‌زنند، اطمینان داشته باشید، این عناصر خائن و پست‌فطرت با شخص شما هیچ‌گونه دشمنی و اختلاف ندارند، بلکه این ددصفتان با دین مقدس اسلام و قوانین متین قرآن مخالف بوده، ولی چون شما را بزرگترین سد راه پیشرفت افکار پلید و شیطانی خود دانسته و در مقابل منطق قوی و محکم شما تاب مقاومت ندارند و مفتضح می‌گردند.

لذا برای این‌که روحیه شما پیشوایان بزرگ را ضعیف ساخته و اذهان بعضی مردم ساده‌لوح را مشوش سازند، چون روباه، در محیطی دور از نظر مردم، چنین بیانیه‌های سر تا پا دروغ را منتشر می‌کنند. این‌ها از همان دسته‌ای هستند، که وقتی ملت مسلمان ایران سرگرم یک‌مبارزه‌ی عمیق با دشمنان دین و مملکت می‌باشند، برای انحراف اذهان مردم ساده‌لوح به‌حضرت آیت‌الله کاشانی که رهبری این نهضت حیات‌بخش را به‌عهده دارد، جاسوس انگلستان! خطاب کرده و این جنبش ملی را از طرف خود انگلستان معرفی می‌نمایند!

در این صورت آیا اصولاً نوشته‌ها و نقشه‌های احمقانه این دسته قابل بحث و درخور جوابست؟! فقط باید گفت زهی بیشرمی و پست‌فطرتی که این احمقان دارند. اوراق تاریخ اسلام از این نیرنگ‌ها مملو می‌باشد. مگر در صدر اسلام، عده‌ای فاسد که نمی‌توانستند پیشرفت مکتب توحید و خداپرستی را دیده و بت‌های خود را واژگون شده مشاهده کنند، نبودند که برای خاموش کردن آن نور هدایت پیغمبر گرامی اسلام نسبت جنون و هزاران یاهوهای دیگر می‌دادند و همچنین به‌مقام مقدس علی(ع) چه جسارت‌ها ورزیده و وقاحت و بی‌شرمی را گاهی به چه مرتبه‌ای می‌رسانیدند.

آیا آن‌ها با وجود مقدس رسول اکرم و علی(ع) دشمنی داشتند؟ البته خیر، بلکه چون مجری قوانین آسمانی برای جلوگیری از شهوترانی آن‌ها می‌کرد؛ بودند. آقایان محترم علماء شما باید منتظر باشید، که این دشمنان دین و مملکت در آینده، با شدیدترین وجهی با تبلیغات زهراگینی، بر علیه شما مشغول خواهند شد؟! زیرا آن‌ها می‌خواهند شما را متأثر ساخته و شما که هر یک چون ستاره‌گان فروزانی در یک نقطه لرستان طلوع نموده و در قلوب هزاران فرد لرستانی مسلمان جا دارید، دلسرد شده و کناره‌گیری فرمائید، تا آن وقت این خائنین وطن‌فروش به انصراف این سنگر شکست‌ناپذیر، منویات پلید خود را انجام دهند. ولی ما با این خائنین گوشزد می‌کنیم، زهی تصور باطل! زهی خیال محال!

پیشوایان مذهبی و رجال مکتب انسانیت، محال است به گفته‌های ننگ‌آور شما اعتناء نموده و از تبلیغات دین مقدس اسلام منصرف شوند. شما هر چه دروغ و تهمت در ورق پاره‌ها، بنویسید و مخفیانه نشر کنید، علماء گرام و پیشوایان محبوب ما برای مبارزه با شما انگل‌های اجتماع و تبهکاران خیانت‌پیشه، بیش از پیش به نشر تعالیم مقدس اسلام مشغول و با گام‌های سریع و پشتکار بیشتری بدون بیم و هراس از اتهامات نا به‌جای شما حقایق اسلام را روشن خواهند کرد و مردم مسلمان و متدین لرستان با دیده‌ای باز، نقشه‌های شیطانی و خائنانه شما را می‌بینند و ممکن نیست با هزاران اعلامیه‌ی دروغ و بی‌اساس، حتی یک‌فرد لرستانی را منحرف سازید. بلکه همه علی‌رغم شما اراجیف‌گویان، پشت سر پیشوایان روحانی خود،

صفوف مبارزه را محکم‌تر و به هم فشرده‌تر ساخته و داغ ننگ و رسوایی را بر پیشانی شما زده و به شما می‌گویند:

مه فشانند نور و سگ عوعو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند
انجمن تبلیغات و مبارزات اسلامی چاپخانه دانش خرم‌آباد

در دهه‌ی ۱۳۲۰ که مشارکت سیاسی مردم فرصت خوبی پیش آورد تا نیروهای مذهبی بتوانند سازمان خود را گسترده‌تر سازند و تشکل‌های جدیدی به‌مانند نیروهای سیاسی رقیب پدید آورند. «مجمع سادات لرستان» یکی از تشکل‌های یاد شده است که مقارن چاپ روزنامه و هفته‌نامه‌ها و اوج گرفتن جریان‌های سیاسی در دوران دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی، در لرستان پدید آمد. این مجمع در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ تلگراف‌هایی به نخست‌وزیری فرستادند و از برنامه‌های او پشتیبانی کردند. در تلگراف مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۱ آن‌ها به آیت‌الله کاشانی و مصدق می‌خوانیم:

«به پیروی از اوامر حضرت آیت‌الله [کاشانی]، امروز کلیه‌ی اصناف تعطیل عمومی نموده، بر اثر دعوت مجمع سادات، مسجد جامع، مملو از جمعیت بود. سخنرانی مهیجی ایراد، احساسات وطن‌خواهانه‌ی اهالی خارج از وصف، مردم از فرط شادی به مناسبت بسته‌شدن کنسول‌گری‌های انگلیس، در پوست خود نمی‌گنجیدند. صدای زنده‌باد ناجیان ایران؛ حضرت آیت‌الله کاشانی و نخست‌وزیر اجنبی‌شکن، بت‌های عظیم مسجد را مرتعش می‌کرد. در همان جلسه‌ی شادی و سرور، مبلغ متناهی اوراق قرضه‌ی ملی از طرف حضار خریداری شد. استدعا داریم مقرر فرمایند، برای این‌که مشت آهنین دیگری بر مغز اجنبی‌پرستان فرود آید، صدای این احساسات را به وسیله رادیو تهران به گوش جهانیان برسانند.

مجمع سادات لرستان

فرازهایی از هفته‌نامه‌ی صدای لرستان

به قلم شیخ‌مهدی قاضی، در ۲۸ شهریور ۱۳۳۰ خورشیدی، سال اول، شماره ۱۱ عبدالقدیر آزاد و عبدالصاحب صفائی و سایر عباد و بندگان انگلستان در برابر اراده آهنین ملت جز تسلیم چاره‌ای ندارند.

مردم رنج‌دیده ایران سال‌های متمادی مترصد بودند که یک دولت ملی روی کار آمده و منویات دیرین آنانرا مورد اجرا گذارد.

این معنی برای آنها ایده‌آلی بیش نبود و خواسته آنان جامه عمل بخود نپوشید. تا در اثر مجاهدات و مبارزات خستگی‌ناپذیر و دلیرانه مردم رشید تهران عده‌ای از محبوب‌ترین و مجرب‌ترین رجال ایران بخانه حقیقی ملت یعنی مجلس فرستاده شدند.

و به مجرد ورود به پارلمان طرح ملی شدن صنعت نفت ریخته شد و برای ایصال باین هدف عالی که سال‌ها مردم رنج‌دیده این مملکت آرزوی او را در گنجینه دل خود نهفته داشتند از هیچ‌گونه فداکاری دریغ ننموده با فکر جوان و قلم روان خود در صحنه این مبارزه حیاتی پیروز شدند. صنعت نفت باتفاق آراء در پارلمان ایران ملی گردیده و یک گام اساسی برای ملت نجیب ایران برداشته شد. چیزی نگذشت بعد از سقوط کابینه حکیم‌الملک و استعفاء علاء نخستین وکیل تهران نخست‌وزیر ایران شد. و پیشوا و قهرمان جبهه ملی بمسند صدارت مستقر گردید. برای اولین بار یک شخصیت بزرگ ملی سرنوشت مملکت را در دست گرفت. از تمام شهرستان‌ها باین انتخاب صحیح تبریک گفته شد و سیل احساسات ملت به‌جانب صدراعظم محبوب خود روان گردید. صدای زنده‌باد دکتر مصدق طنین‌انداز شد. دکتر مصدق معتقد بود که جز نفت چیز دیگری نمی‌تواند مردم را از فقر اقتصادی برهاند. بمجلس و مردم ایران اعلام نمود که من جز برای نفت روی کار نیامده و جز این منظور راهی نخواهم پیمود. چیزی نگذشت که از غاصبین حقوق ملت خلع‌ید نمود و یک قدم اساسی‌تر و سریع‌تری برای رفاه و سعادت ایران عزیز برداشت.

مهندس بازرگان بجای مستر دریک نشست. دولت حيله‌گر انگلستان از این پیش‌آمد به‌دیوان داوری لاهه شکایت نمود. بلادرنگ دولت عدم صلاحیت قضات

لايه را بوسيله سه تن از نمايندگان خود آقاين دكترشايبگان، آقاى پارسا و آقاى صدر به آنها اعلام نمود. در ضمن خاطر نشان نمود كه دولت و ملت ايران براى رآى ديوان پوشالى لايه به هيچ اندازه ارزش قائل نبوده و اهميت نخواهد گذاشت. در اينجا باز انگلستان خود را مواجه با يك تنفر همگاني ديده و قسمت عمده‌اى از دول اسلامى بوسيله تظاهرات و ميتينگ‌هاى پر هيجان از دولت انگلستان و ديوان داورى لايه اظهار انزجار و از دولت و ملت ايران پشتيبانى مى‌نمودند ولى انگلستان باز به اوضاع اميدوار بود. در اين حين و بين آقاى ترومن نماينده تام‌الاختيار خود آقاى هاريمان را براى مذاكرات و حل مسئله بحراني نفت بايران فرستاد. آقاى استوكس مهردار انگلستان نيز از طرف آن دولت بااختيارات تامه براى مذاكره در پيرامون نفت بايران اعزام گرديد.

اجمالاً اين دو تن نماينده از مذاكرات خود با دكتر مصدق و مصاحبه‌هاى طولانى خود با رهبر محبوب مسلمين آيت‌الله كاشانى طرفى نبسته و بدون اخذ نتيجه مذاكره بين دولت و نمايندگان آمريكا و انگليس قطع شد و دكتر مصدق به هيچ اندازه تن بسازش نداد. مذاكرات قطع شد و آقاين بدولت مطبوعات مراجعت نمودند. دولت استعمارگر انگلستان چون مردم ايران را در مبارزه حياتى خود استوار و پا برجاديدند، قول مى‌شدن صنعت نفت ايران را به دنيا اعلام نمودند. بعد از چندين آقاى مصدق‌السلطنه آخرين التيماتوم خود را به وسيله هاريمان به دولت انگلستان اعلام نمود. البته دولت بعد از جواب اتمام حجت و التيماتوم خود تصميم قطعى درباره نفت خواهد گرفت. ناگفته نماند كه در تمام اين جريان مردم ايران و دول اسلامى پشتيبانى و معاضدت خود را به رهبر محبوب، و حضرت آيت‌الله كاشانى و نخست‌وزير مجرب ما آقاى دكتر مصدق به وسائلى مختلفه اعلام نموده، جرائد ايران و عده كثيرى از جرائد دول اسلامى در اين صحنه نقش مهمى داشتند. تا اينجا فهرستى از خدمات چند ماهه دولت براى روشن شدن افكار عمومى نگاشته شد. نکته ديگرى كه بايد براى تشخيص خائن از خادم گفته شود اين است كه عده معدودى مسئول و غيرمسئول در مسير اين جريان با دولتى كه از طرف ملت براى انجام مقاصد ملت به روى كار آمده مخالفت مى‌نمودند. اين اجنبيان ايرانى در

مخالفت شوم خود جز رسوایی نتیجه‌ای نگرفته و قیافه حقیقی خود را که در پاره‌ای از اوقات در زیر پرده‌های ریا و تظاهر نهفته بودند به مردم ظاهر کرده و در مقابل اراده آهنین ملت از پای در آمدند. این عمال مارک‌دار انگلستان می‌خواهند به‌وسیله تبلیغات خائنانه و تزریقات سوء خود ذهن عده‌ای بی‌اطلاع و ساده‌لوح را مشوش کرده و به‌نفع اربابان انگلیسی خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این دسته باید بدانند که نه تنها کاری از پیش نمی‌برند بلکه در صحنه هولناک این مبارزه به‌زانو در آمده و سیر قهقرائی را به بن‌بست رسانیده و جز تسلیم و رضا چاره‌ای نخواهند داشت. زیرا مارک‌ننگین آنها خوانده شده است به‌کوری چشم اجنبیان و اجنبی‌پرستان روز بروز سیل احساسات مردم مبارز ایران بجانب آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق روان‌تر می‌شود.

صدای

لرستان

مدیر: مهدی قاضی

خرم آباد - تک شماره همدان
پنجمه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۴۰ - شماره ۱۳۷۰

از سخنان علی (ع) بسم الله الرحمن الرحيم

سکام نباید که کوچکترین تحمل بر اثر ادمت روا دلواندا مستخدمین حکومت از این رویه سرمشق گیرند و بر خون و مال مردم نرمان صادر کنند چهره حکومت که عاملی مستقر پیه با خاندانم انجام کیفیت و خودسر اتفاق اتند حاکمرا آنبندان کیر کم که هزار بار حق بشمیدگان جبران شود و خرابی مستخدمین و عمال جز مرمت گردد

زیرا مسئول مستقیم ملت حکمران است

سید کاظم طاهری

کار پیر امون خلافت مجاهد

بزرگ اسلام حضرت علی ابن ابی طالب

دوست ده جبری شکامیکه تن مکرر اسلام بجزای او داعی غنند
لیس با ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک
مأمور گردید که علیه و جانشین خود را بجهان اسلام معرفی نماید
هر را بجهت حضرت از همه پندیده مطابق خیر خلقه
ایم باطنی صلوات علی ابی طالب
بلازم الا حج مع رسول الله
لقد عرفت انما هم نغمی با آن حضرت را داشته حضرت با آنکه هم سرخ چم یک مدینه در محلیک موسوم با بر بود و مستقر برای تولد نمود

تولید بود فزوده آمد اینده دستور فرمود
جهان همه انشراح ایراد فرموده مسکی
برای انبیا پاک مأموریت بر کمالی
با کمال سکوت و آراسترا اجتناب کند
بسیر گراس اسلامیکه از روشیه
ترین و مؤمن ترین از اشراگردان مکتب
دین پی مولا علی علیه السلام را دستور فرمود
خون و برای میراث او آفتاب نشین نمود
تولید شد این تاریخ بیست و هفت روز
من جناب پروردگار عالمین نامیروز
دین پی مولا علی علیه السلام را دستور فرمود
خون و برای میراث او آفتاب نشین نمود
تولید شد این تاریخ بیست و هفت روز
من جناب پروردگار عالمین نامیروز

کتابخانه مسجد جامع خرم آباد

عبدالقدیر آزاد و عبدالصاحب صفائی و سایر هیاد و بندگان انگلستان در برابر اراده آهین ملت جز تسلیم چاره ای ندارند

مردم و بنیاده ایران سالهای منادی مترصد بود که یک دولت ملی روی تکوینند و منویات دیرین آثار اسبوره ابراکادرد
او سنی برای آنها آید پیش نبود و صورت آنان جام هل نبود
یوشیه
نادر از مجاهدات و مبارزات جنگی نابین و دلیرانه مردم کشید تهران عبدالصاحب در
و محجرت از و رجال ایران بغضه جلیلی ملت خنی مجلس خود را بلی فرستاد
ده شد
و بجز درود و یادمان طرح ملی شدن دولت فتنه پند شد
و برای ابطال باین هدف عالی که سالها مردم را تعدید ۱۰ این مملکت آزادی آورد در مجبیه دل خود ازفته دادند
ارهی که جملاداری دروغ ننوده با مکر جوان و عالم روان خود در صحت این بار زده حیاتی بیروز شدند
صحت حث با حقان آراء و در پارلمان بران ملی گردید و یک گام اساسی برای ملت جویب ایران برداشته شد
چیزی نگذشت بعد از سقوط کابینه حکیم الملک و استعفاء علاء و تحسین و کیسل تهران نخست وزیر ایران شد
ویشوا و قهرمان جبهه ملی بصدت صدارت مستقر گردید
و برای اولین بار یک شخصیت بزرگ مانوسش مملکت و ادو دست گرفت
از تمام شهر ستانها باین انتخاب صحیح تبریک گفته شد و وسیل

جران مشروح تحصن و اجتناع امانی خرم آباد لرستان

۱۵ نفر تلگراف بنی بر پشیمان کلان
از دولت و تخاصم خرم آباد بنظرو روی
اعضای مجلس و حضرت آقا آفتاب خانی
و جناب آقای دکتر حسینی و دو قاض
کبک و وادار و ایلیم نظایر مودر صلاح
این احوال دانش جوان و جوانان فوج
موج با حرکت منظم و برجهای سوار ک
در خرابانها گردش و بسی جبر کتر
انعام و از گردیده فضای مکر انعام
مسوا لار احساسات بر شاپ شده بود
نطق های آهین در صحنه لکر -
مطینانه از بود
فریاد زنده با حضرت آیت الله
کا شالی با پنده باه جنا ب
آقای مکر محمد مصدق فقت
وزیر ملی طوری بلند میشد که با سایر
در تمام شهر فریاد میشد بقیه براس ۲

عبدالقدیر آزاد و ...

برای رتبه و سلسله مراتب بریز برداشت
 مهندس بازرگان بجای مستردویک نشست دولت جبهه گر
 انگلستان از این پیش آمد بیرون دآوری لاسه شکایت نمود
 پلادنگ دولت هم صلاحیت قضات لاهه و روسیه ستان از نایندگان
 خود - آقایان دکتر خانیکن آتای باراساوات آتای صربا آتای اعلام
 نمود در ضمن خاطر نشان نمود که دولت ولایت ایران برای رای
 دیوان برشالی لاهه بپایان نوزادش قائل بوده و اعبت نخواهد
 گذاشت - رواج با باز انگلستان خود را مواج با یک تتر مکانی دیده
 و دست همه ای فرود لاسه بوسیله نظامیان و مینتیکهای پر همچنان
 از دولت انگلستان و در آن دآوری لاهه نظایر از چار و اردولت و
 ملت ایران کیستیا بی نهمه نغولی انگلستان باز با رواج امپوزر بود
 در این حیسب آتای ترومن نایبند عام الاشار خود آتای مار-
 یس را برای مذاکرات وصل مسئله به برای غت با ایران فرستاد
 آتای استوکی ممدو در انگلستان نیز از طرف استولیا غیرت
 نامه برای مذاکره و دیر امون غت با این اهرام گردید
 اما این دو غت نایبند از مذاکرات خود یاد گزیدند و در مساجه و مساجه
 های طولانی خود با همیر محبوب سلیب آتای الله کاشانی طرف
 نیست و در مذاکره نتیجه مذاکره بین دولت و نایبندگان امریکار
 نگلیس فتح شد و دکتر مصدق بیج اداغده فن ایستاد
 لدا - اگران طبع شد آتایان بودند، عارضه و راه را به دست آوردند
 دولت انگلستان چور مرد ایران را در
 مبارزه جلال خود سعادت عیار جایدید یقین لطفی
 شدن صحت غت ایران را بدلیا اعلام نمودند پسند از
 چندی آتای مصدق الحلقه آخرین التیما خودم خود را
 بجهله هاریم بدول انگلستان اعلام نمود
 البته دولت بهماز جواب انام حجت باقیام خود نصیم
 نظمی در باره غت خواهد گرفت

جریبان مشروح

پیش از این
 و همچنین صدای مرده باد و کلاهی مزدور و
 یکنگه پرست سخن بست و تلگر اف را بر
 نموده بود و اینک سخن یک نفره تلگر اف اهالی
 را ذیلا درج و متن دوشماره جوابیه حضرت
 آتای الله کاشانی و جناب نفستور زیر التیاز
 نظر خوانندگان عزیز میگردانیم
 وسیله جناب آقای کشفورز موصاحت
 مقصد مجلس شورای ملی در نوشتن جناب
 آقای دکتر مصدق مصدق نصحت و وزیر محبوب
 و ملی ایران در نوشتن اداره نیلینت
 اهالی لرستان و خرم آباد یکو تنظیم
 داده امروزه و آنکه مقرر است مجلس شورای
 ملی بقولت جناب آقای دکتر مصدق نصحت
 وزیر محبوب و ملی ایران رای اعتماد مرحمت
 نماید برای خود یکی از برادرش ترسین روز
 های تاریخی فرزند و بنایبند بصیری و شتاب
 نغزایب بنشینان و ندا کلاهی و خود یکدیگر
 و جان بازی خوشی را از دولت محبوب
 مصدق اعلام و ضمن تفر و اتو جبار شد بد از
 اجانب و بیگانه لرستان استعدا داریم هر چه
 زودتر بقولت جناب ایشان رای اعتماد مرحمت
 فرمایند و ششاً تا حصول رای اعتماد و تعیین
 تکلیف نظمی اهالی لرستان و خرم آباد از
 تصمن خارج نخواهند شد
 و امیدواریم خیر سمرت بخش رای اعتماد
 را تلگر اف اطلاع که با بیساط و سر و او تصمن
 خارج شویم

از طرف اهالی لرستان و خرم آباد متجاوز
 از پنجاه نفر و اینک متن تلگر اف جوابیه مرکز
 جنابان آقایان روح الله قاضی زاده و سایرین

صاحب امتیاز: روح الله قاضی زاده

پناه اشترک:
 سا لانه ۹۰ ریال
 ششماهه ۵۰۰ ریال
 مقالات وارده مسترد نشود و هیئت تحریریه
 در چاپ و اصلاح آنها مختار است
 تعیین پناه آتای با دفتر ادارات

در پیراهون

پیش از این
 فصیح اسلام بنام صدان این تا به این
 در این زمینه اشاری سرود پس از
 خواندن شمار واقعه خانه باصغر مردم
 بیخنده به مسکن توبه خود بر گشتند

چاپخانه دانش
 خرم ۹۴
 هیئت تحریریه در روزنامه «کارکنان»
 چاپخانه عید سعید غدیر خرم را
 به همم بر یک عمر می کنند

بناسبت همی همی همی
 شب بیخنده ۲۸ و ۳۰ از طرف
 آتای الله کاشانی در روزنامه حلیه
 مجلس جشن باشکوهی تشکیل و
 مجلس ساعت ۸ و ۹ و ۱۰ بیانات
 سفرد و مستر افانی مر اوید با بیانات

هفته نامه صدای لرستان، سال اول شماره یازدهم (صفحه دو)

بیانیه بنام خدای توانا

هیره و رسول آلتاب نخواهد رولق بازار آلتاب نگاهد

همه پیمانان عزیز - مردم شرافتمند و مسلمان لرستان - هشام بر همین دوست و مبارز

چند روز گذشته اعلامیه ای از طرف جمعیت موهومی بنام مطرفاناران امنیت لرستان منتشر شد که افکار نویز و زور و ترس آن و همچنین طرز تلکرو و عقاصو حقیقتشان از مطالب اعلامیه آشکار بود

دروغ پر داری و گزافه گوییهای آنان ثابت نبود که تا چه اندازه پایه های اخلاق و دانششان رو با انحطاط گذاشته و ابرهای مترام که چهل و نه دانی و شیطانهای تاباکی و اسلوا کیشکی روح انسانیت آنانرا پروراشیده است

این بی وطنان نادان که بر قبحان تریز و جویی خود را مفضوح ساخته بودند اگر سبیل غرضان احساسات مردم را که از مهالانه آن در وقت باور از چهره ها شان هویدا بود مشاهده میکردند بقوی از خواب جهل بیدار شده و می فهمیدند که محیط لرستان و مردم متدین آن هنوز آماده پذیرش افکار فاسد و ضد دین آنها نباشند

این عقابان بهیوی دروشن است و همه اینگونه بی پایه ها و اعلامیه های را که نویسد کلماتش نشان احمقانانه خود را مفضوح می کنند بایکلب خند تا آخر آریز جواب می دهند و لذا ما میخواستیم در جواب آن موهومات چیزی بشکاربمولی ناچار بری آشکارا نمودن حقیقت امر و برابری اینکه ثابت کنیم این عناصر فاسد چرا اقدام بانشار این گونه اعلامیه ها نمیانند ، عرض میکنم آفتابان هلاک گرام / یی و ایوانت حال بقدر لرستان که این مرد دران بیاد توهمین نه بود و بساحت مقدس شما این طور وقیحانه افترا و تهمت میزند اطمینان داشته باشید این عناصر خائن و پست فطرت باشخص شما هیچگونه دشمنی و اختلاف ندارند بلکه این ددمنان با دین مقدس اسلام و قوانین عزیز قرآن مخالف بوده ولی چون شیارا بر گزینید راه پیشرفت افکار پدید و شیعیانی

خود دانسته و در مقابل منطق قوی و محکم شما تاب مقاومت ندارند و ملتضع می گردند

لذا برای اینکه روحیه شایسته و ایوان بزرگ و اضمیف ساه و اذهان بعضی مردم ساده لوح و امشوش سازند چون دوباره محبلی دور از نظر مردم چنین بی پایه های سر تا با دروغ و لهنتشر می کنند

اینها همان دسته ای هستند که وقتی ملت مسلمان ایران سرگرم یک مبارزه عتیق با دشمنان دین و مملکت می باشند برای انحراف اذهان مردم ساده لوح بعضرت آیت الله کاشانی که رهبری این نهضت حیاتیست را بپذیرد دارد جاسوس انگلستان ؛ خطاب کرده و این جنبش ملی را از طرف خود انگلستان معرفی مینمایند ۱۱

در این صورت آیا اصولا نوشته ها و نقشه های احمقانانه این دسته قابل بحث و در خور جواب است ؟ لفظ باید گفت زهی پیشرو و پست فطرتی که که این احقران ارند

لوراق تاریخ اسلام از این نیرنگها معلوم می باشد مگر در صدر اسلام عده ای فاسد که نمی توانستند پیشرفت مکتب توحید و خدا پرستی را دیده و بنهای خود را از گون شده مشاهده کنند ؟ نبودند که برای خاموش کردن آن نوره هدایت سیفبر گرامی اسلام نسبت جنون و هزاران یاره های دیگر می دادند و همچنین بنام مقدس علی ؟ چه جسارتها و در زبده و وقاحت و بیشرمی را گاهی بچهره تریه ای میرسانیدند

آیا آنجا بود وجود مقدس رسول اکرم و ملی و ع دشمنی داشتند ، البته خیر بلکه چون مجری قوانین آسمانی که جلو گیری از شهوت رانی آن هاست کرد ؛ بودند

آفتابان محترم علما ، شایاید منتظر باشید

که ایندشمنان دین و مملکت در آینه بشایدترین وجهی با تبلیغات زهر آگینی بر علیه شما مشغول خواهند شد ؟ زیرا آنها میخواهند شما را متاثر ساخته و شما که هر یک چون ستاره گان فروزانی در یک نقطه لرستان طالع نموده و در قلوب هزاران فرد لرستانی مسلمان جا دارید دلسرد شده و کلاهه گیری فرمایید ، تا آنوقت اینها ضلالتین و ظلم فروش با تصرف این سنگر شکست ناپذیر منویات پلیدی خود را انبیا م دهند ولی ما این خائنین گوشزد میکنیم زهی تصور باطل را زهی خیال محال

بیوشایان مذهبی و روحا مکتب انسانیت محال است بکنند های تنگ آرزو شما اعتنا نموده و از تبلیغات دین مقدس اسلام منصرف شوند

شما هر چه دروغ و تهمت در ورق پاره ها بنویسید و نخبانه نشر کند ، علیه گرام و یی و ایوان محبوب ما برای مبارزه با شما انگلهای اجتناع و تنبک کاران خیانت پیشه پیش از پیش بشر تعالیم مقدس اسلام مشغول و با کلمه های سریع و پشتکار بیشتری بدون بیوهرا سزایانتمانات نا بجای شما حقایق اسلام را روشن خواهند کرد و مردم مسلمان و متدین لرستان بادیه های باز نقشه های شیطانی و خائنانه شما را بینند و ممکن نیست با هزاران اعلامیه دروغ و بی اساس حتی یک فرد لرستانی را انحراف سازید بلکه همه های و غم شما را از جیب گویان ، پشت سر یی و ایوان روحانی خود محرف مبارزه را محکم تر و بیهم فشرده تر ساخته و داغ تنگ و رسوائی را بر ییشانی شما زده و بشامی گویند

مه فشا ندر نور و سعادت عو گویند هر کسی بر طریقت خود می کند انجمن تبلیغات و مبارزات اسلامی

چاپخانه دانش - خرم آباد

بیانیه انجمن تبلیغات و مبارزات اسلامی خرم آباد در دوران مبارزات آیت الله کاشانی

درجه فوریت

طبقه بندی حفاظتی
گزارش غیر

- ۱ - صفحه یکم از صفحه
- ۲ - نسخه شماره از نسخه
- ۳ - تاریخ وقوع ۳۱۲۹ - ۱
- ۴ - از ۱۰ - ۲
- ۵ - شماره گزارش ۱۵ / ۱۸۷۷ - ۳
- ۶ - تاریخ گزارش ۱۷ / ۱۳۳۵ - ۴
- ۷ - پیوست ۲ - ۵
- ۸ - گیرندگان غیر ۶
- ۹ - منبع ۷
- ۱۰ - منشا ۸
- ۱۱ - تاریخ رسیدن غیر به منبع ۲۷ / ۳ / ۱ - ۹
- ۱۲ - تاریخ رسیدن غیر بر مبنای عملیات ۱۰
- ۱۳ - تاریخ رسیدن غیر بر مبنای عملیات ۱۱
- ۱۴ - محل ۲۰۳۲ / ۳ / ۱ - ۴
- ۱۵ - سایر اطلاعات حفاظتی ۲

۱۷ / ۱۳۳۵
۱۵ / ۱۸۷۷

محل
رد

موضوع: شیخ مهدی قاضی

یکی از روحانیون خرمآبادی که ساکن قم میباشد و احتمالاً سید محمد تقی شاهرخی باشد از قم تلفنی با شیخ مهدی قاضی تماس حاصل و در مورد تقاضای استوالاتی نمود و مواظبها را در اوایل روز زندان داشته و میباشد آزاد شده چرا آزاد نشده و از شیخ مهدی میخواست در موضوع را تحقیق و بوی اطلاع دهد شیخ مهدی قول میداد اقدام کند سپس در مورد سید فخرالدین رحیمی و محل تبعید او و از وضع سید فخرالدین طاهری سؤال نمود شیخ مهدی جریان تبعیدی رحیمی را توضیح فرمود و گفت جمعا از خرمآباد و نفر تبعید کرد فاند گفتا شناس میگردد مواظب خودتان باشید شیخ مهدی جواب میداد مهم نیست ناشناس میگردد شنید نام سید حسن طاهری را از قم برای تابستان دعوت کرد فایده شیخ مهدی میگردد سید فخرالدین رحیمی با او گفته من هم اطلاع دارم نام هنوز تصمیم قطعی نگرفته است نظریه شنبه - خبر صحت دارد

نظریه یکشنبه - بهاتوجه گزارشات رسیده و مذاکرات تلفنی و اینکه سید فخرالدین رحیمی تبعید گردیده و در نظر دارد بجای او در مسجد طوی رحیم حسن طاهری بهشتماز مشغول گردد و صحت خبر مورد تأیید است

شیخ محمد تقی شاهرخی
طبقه بندی حفاظتی
۱۳۳۵
۱۳۳۵

طبقه بندی حدفتی برگه خبر	درجه فوریت
نسخه شماره از نسخه	۶ - تاریخ وقوع : ۱ - به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - مباحث حدفتی :
۲ - از شهرداری لرستان (اطلاعات) ۳ - شماره : ۴۴۴ - ۱۰۱ - ۱۰۱ ۴ - تاریخ : ۱۳۲۲ / ۱۰ / ۱۰ ۵ - پیوست :	۸ - گیرندگان :
موضوع :	عطف/پیرو :
<p>اطلاع واصله جاگیت قبل از دستگیری شیخ مهدی قاضی ناهبده به قراه ترسو هنگام بخت پایان یافته و در منزل شخصی بنام ابراهیم حیدری یکی از ساکنان سابق بخش پاپی ناهبده آن بوده و در آنجا بگر از مالکان و ضمایر منطقه های مزبور را همراه با پنهانپسائی شیخ مهدی قاضی که در نامرات اخیر خرم آباد جسد از مدعیین اصلی بوده و در منطقه همگونی کشاورزان برداشته و در سمات دولت سرور را در متعلق کشاورزی مورد حمله و چاروازی قرار دادند و شایسته با جمع آوری سلاحهای جنگی به شهر خرم آباد همچون و اقدام به ذمالت های خرابکارانه بنامند که با دستگیری شیخ مهدی قاضی ناهبده آنها در قیاس عملی نگردد و از ترسو وحشت از ترده به شهر خود داری و کنایه نیز از فعالیت خرابکارانه آنها آگاه و سخت استیسا ر نارهائی و ناراحتی مینمایند</p>	
۱۳۲۲ مهر ۱۳۲۲ جهت استحضار	حکم کچهر کوی ۱۰ <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: fit-content; margin: 0 auto;"> <p style="text-align: center;">مهدی قاضی ناهبده</p> </div>

گزارش شهربانی به ساواک استان، در خصوص فعالیت های حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی قاضی
 در بخش پاپی و فعالیت های ضد حکومت شاه و اقامت در منزل حاج ابراهیم حیدری

گزارش خیر

<p>۲- من ۱۵۸۱</p> <p>۸- متنا ۱۰</p> <p>۹- تاریخ وقوع ۲۷/۵/۳۴</p> <p>۱۰- تاریخ رسیدن خیر به منبع ۲۷/۵/۳۴</p> <p>۱۱- تاریخ رسیدن خیر بر سر عملیات ۲۷/۵/۳۴</p> <p>محل ۱۲- ملاحظات حفاظتی</p>	<p>صفحه یکم از صفحه</p> <p>نسخه شماره ۱۰ از ۱۰ نسخه</p> <p>۱- ۲۱۲</p> <p>۲- از ۱۵</p> <p>۳- شماره گزارش ۱۵</p> <p>۴- تاریخ گزارش ۲۷/۵/۳۴</p> <p>۵- بیوست</p> <p>۶- گیرندگان خیر ۲۳</p>
---	--

موضوع: **بیماری و شفقت در زمانه**

ما سرور با یادآوری تاریخ ۲۷/۵/۳۴ در یک ملاکه تلفنی ضمن بحث در مورد بیماری در این زمانه
 و شیوه تشخیص اظهار داشتند که ما به سبب کارهای سنگین و زیاد کردن دفاها و فراوانی
 کارهای سنگین و محدود سپردن به دیگران که با تفاوتی در تفاوت اجزا انفاخته نادرست نمودیم
 از این جهت و نیز از این جهت که در هر دو حدی در این زمانه و نیز در این زمانه
 شده و بارش و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه
 شده و بارش و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه
 است و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه
 ضمنی نداشتند و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه
 صحت در این زمانه و نیز در این زمانه و نیز در این زمانه
 نظریه گفته فرصت دارد
 نظریه گفته فرصت داشته بود و ادارات نیز هم از روی کار است

گزارش نشود تلفنی از منزل شیخ مهدی قاضی، در خصوص فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله مدنی، حجت‌الاسلام شیخ روشنی، حجت‌الاسلام شیخ حسن ایمانی و حاج عبدالرزاق زین‌الدین و گرفتن وکیل توسط حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی برای آزادی تبعیدی‌های فوق

*** موقعی که امام خمینی به نجف اشرف تبعید شد، از چه طریق با ایشان ارتباط داشتید؟**

کج موقعی هم که به نجف اشرف تشریف بردند، سه بار من به خدمت ایشان رفتم، هر بار با زحمات زیادی و خدمت ایشان عرض کردم که اگر من بخواهم با جنابعالی مکاتبه کنم چگونه می شود. چون نمی شد با خود ایشان مکاتبه کنم، یک نفر روحانی در آن جا بود و خیلی آدم معتبری بود. امام فرمودند که شما نامه هایتان را به عنوان آقای شیخ نصرالله بنویسید و ایشان به من می دهند. من هم مرتب مکاتبه می کردم. آقا شیخ نصرالله از علماء آن جا بود و فرد متمکنی هم بود. خیلی به امام کمک می کرد. یعنی اگر امام در شهریه ای کمبودی داشت، ایشان کمک می کرد. خلاصه مکاتبه می ما به وسیله آقای شیخ نصرالله بود. امام هم جواب نامه های من را که می داد، به وسیله مسافر می فرستاد. چون اگر بوسیله پست می فرستاد، این نامه ها را نمی دادند. در حدود سیزده-چهارده تا نامه من از امام دارم.

*** اندیشه ای انتخاب آیت الله مدنی برای حوزه که بررسی های تاریخی نشان می دهد از طریق شما بوده و شما ایشان را انتخاب کرده اید؟ چطور به ذهن شما آمد؟**

کج ما علاقه داشتیم یک نفر، فرد معینی، شخصیت عالمی به خرم آباد بیاید و بتواند جوان ها را کاملاً سرپرستی کند. ما متوجه شدیم که آیت الله مدنی در همدان هستند. به خدمت ایشان رفتیم و با ایشان صحبت کردیم. ایشان هم در همدان کارهای خیلی زیادی کرده بود، مثل احداث درمانگاه ها و فعالیت های دیگری که انجام داده بود. خلاصه ما رفتیم خدمت ایشان، و ایشان تقریباً قبول کرد. من نامه ای برای حضرت امام نوشتم، که ما قصد داریم ایشان را به خرم آباد بیاوریم. امام هم خیلی از ایشان تعریف کردند. ما هم با عده ای زیادی رفتیم و ایشان را به خرم آباد آوردیم. وی خیلی فعالیت می کردند. تمام دانشجویان مذهبی کاملاً اطراف او را گرفته بودند و ایشان هم آن ها را خیلی تقویت می کرد. تا این که جریانی پیش آمد و او را تبعید کردند به نورآباد. وقتی ایشان را تبعید کردند، بلافاصله ما روز بعد به شهربانی رفته و از آن جا من و سه چهار نفر دیگر را به استانداری بردند. استاندار هم

با روسای نظامی آمده بودند و شروع کردند به صحبت کردن درباره‌ی وی، که خلاصه ما ایشان را به جایی فرستادیم و دفعه دیگر ایشان این جا نمی‌آید. من خیلی حساسی جوابشان را دادم. گفتم شما کار بسیار بسیار اشتباهی کردید.



حجت‌الاسلام مهدی قاضی در حال توضیح برای رجال وقت و نمایندگان اوقاف درباره‌ی مکان مدرسه‌ی علمیه خرم‌آباد

آیت‌الله مدنی، فردی بود که به درد فقرا می‌خورد. اشخاص بی‌بضاعت را سرپرستی می‌کرد. مرحوم آیت‌الله مدنی، یک تشکیلاتی را درست کرده بود، که مایحتاج و مواد اولیه را به اشخاص بی‌بضاعت می‌رساند. انجمن انصارالحجه، حتی افراد متمکنی را هم آورده بود و می‌گفت که شما باید به این‌ها کمک کنید.

✽ جریان ورود آیت‌الله آل‌اسحاق و دستگیری علمای خرم‌آباد، که شما هم

البته نقش مهمی در آن قضیه داشتید، به چه صورت بوده است؟

که ما در فکر این بودیم، که از نظر انقلابی، یک تحولی در خرم‌آباد به وجود آوریم. بعد گفتند؛ یک نفر شیخ و روحانی است که به‌دزفول رفته و آن جا را به هم زده و سخنرانی‌های خیلی تندی کرده است. ما گفتیم که بهترین فرد همین است. از او دعوت گرفتیم و ایشان هم به خرم‌آباد آمدند. سخنرانی مهمی کردند. چند جلسه

سخنرانی کردند. همه‌ی سخنرانی‌ها هم طرفداری از امام خمینی بود. الان هم در قم هستند.^۱

ایشان سخنرانی خیلی مهیجی کرد. در اثر آن، عده‌ی زیادی را گرفتند. چند نفر از علما و روحانیون را هم به زندان آوردند.

✽ در بازجویی‌ها از شما چه می‌پرسیدند؟

کے در بازجویی‌ها می‌پرسیدند، که شما طرفدار حکومت اسلامی هستید. می‌گفتیم؛ دلیلتان چیست که ما طرفدار حکومت اسلامی هستیم. می‌گفتند؛ ما گزارشات زیادی داریم. بر روی فعالیت‌های من، پرونده‌ای درست کرده بودند و می‌گفتند؛ شما مایه‌ی این جریان‌ها هستید. یک مقداری من اقرار می‌کردم و یک مقداری هم طفره می‌رفتیم.^۲ مسائل و بعضی اتهامات را بد نوشته بودند، که مثلا شما از کمونیست‌ها طرفداری می‌کنید.

بالاخره ما مدت قابل توجهی در اوین بودیم. سه چهار ماه طول کشید و بعد آن‌ها در اثر انقلاب ۱۳۵۷ تضعیف شدند. معمولا هرکس که در زندان بود آزاد شد. یعنی همه آزاد شدند.

✽ چطور شد که پس از آزادی از زندان، به مشهد رفتید؟

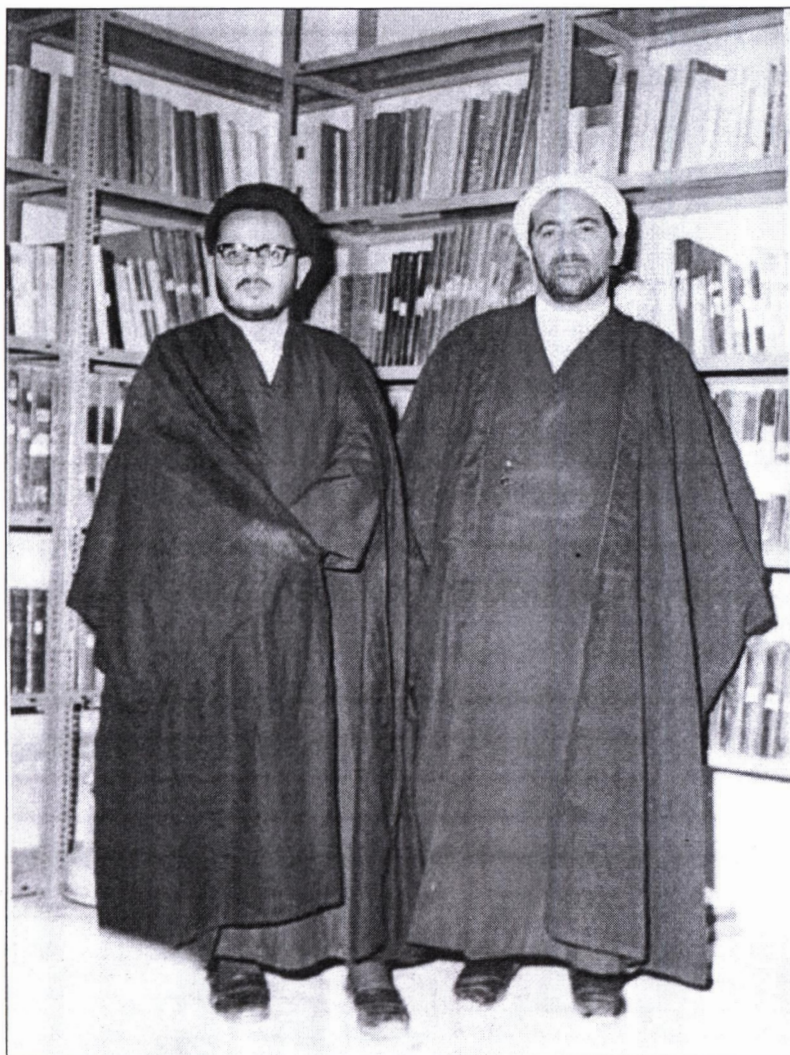
کے وقتی آزاد شدیم، یک نفر روحانی به نام آیت‌الله لوائی در تهران رفیق من بود. ایشان در مشهد خانه داشت، از ما و همه‌ی این آقایانی که در زندان بودند دعوت گرفت. بعد ایشان پیشنهاد کردند، ما به مشهد برویم. ما هم تازه از زندان آمده بودیم و علاقه داشتیم که برویم. خلاصه با ایشان به مشهد رفتیم. مدتی در منزل ایشان بودیم. بعد برگشتیم.

۱. برای اطلاع بیشتر از جریان ورود آیت‌الله آل اسحاق به عرصه انقلاب اسلامی در خطه لرستان به مصاحبه آیت‌الله سیدمحمدنقی شاهرخی رجوع کنید.

۲. برای اطلاع بیشتر خوانندگان محترم، نقش اساسی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی قاضی در ایجاد حرکت‌های انقلاب به اسناد محرمانه ساواک در خصوص ایشان در پایان مصاحبه مراجعه کنید.

✽ در مشهد با آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردید؟

که بله، آیت‌الله خامنه‌ای با مرحوم آقا سیدفخرالدین رحیمی، وقتی که به ایرانشهر تبعید شده بودند آشنایی و شناخت کامل داشته و موقعی که آیت‌الله خامنه‌ای تبعیدشان تمام شده بود و به مشهد آمده، ما به خدمت ایشان رفتیم و ایشان ما را خیلی خوب پذیرفتند.



شهید حجت الاسلام و مسلمین هاشمی‌نژاد و حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی قاضی

نامه‌ی امام در خصوص مدرسه‌ی علمیه‌ی کمالیه، پس از رحلت آیت‌الله کمالوند خرم‌آبادی، به حجت‌الاسلام شیخ مهدی قاضی بدین مضمون است:

باسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقه‌الاسلام آقای قاضی دامه افاضاته

مرقوم شریف واصل از اهتمام جنابعالی به امر مدرسه و آقایان طلاب علوم دینی تقدیر می‌کنم از خداوند تعالی توفیق جنابعالی را خواستارم از این‌که جناب مستطاب سیدالعلماء والعلام و حجت‌الاسلام آقای حاج سیداسدالله مدنی دامه‌برکاته را دعوت برای حفظ و سرپرستی حوزه مبارکه خرم‌آباد نموده‌اید و مورد قبول ایشان شده است، مسرور شده‌ام. امید است انشاءالله تعالی اهالی محترم لرستان و خرم‌آباد و حضرات فضلاء مدرسه مبارکه از وجود ایشان بهره‌مند شوند.

علماء و عملاً باید از جناب ایشان تشکر کنم که قبول این زحمت را فرمودند. از خداوند تعالی توفیق و سلامت ایشان را خواستارم لکن باید تذکراتی به جنابعالی بدهم که کناره‌گیری شما به‌طور کلی از مدرسه صلاح نیست و لازم است جنابعالی در امور مدرسه خارجه و داخله به جناب ایشان کمک نمائید خصوصاً در اوایل ورود و ممکن است به تدریج تمام امور را محول به ایشان نمائید. باید از اهالی محترم خرم‌آباد ایده‌م‌الله تعالی و خصوصاً علماء اعلام و فضلاء محترم تقاضا کنم که قدر این نعمت را بدانند و در قدردانی ایشان کوتاهی نکنند و انشاءالله به تدریج قدر ایشان معلوم خواهد شد. از خداوند متعال توفیق و سلامتی جنابعالی و سایر آقایان محترم را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

روح‌الله موسوی‌الخمینی. ۱۳۹۲ هجری قمری

آیت‌الله میلانی به حجت‌الاسلام شیخ مهدی قاضی به‌هنگام تبعید حضرت امام خمینی (ره) نامه‌ای می‌نگارد:

باسمه تعالی شانه

خرم‌آباد/۱۳/حج ۸۴ جناب مستطاب علیه‌والانام عمادالاسلام آقای شیخ مهدی قاضی دامت‌ایامه

تسلیم و تهیت مرقوم شریف مورخ ۱/۲۰ زیارت و موجب تشکر شد. امیدواریم در صحت و عافیت باشید و به موجبات فراهمی مقاصد روحانیت برسید و از نامه شما مهروض شوید. اینکه وضع حوزه علمیه کمالیه مرتب است بسیار خوش‌وقت شدم. امید است از آن مرکز عده مهمی خدمتگذار از ناحیه مقدسه حضرت ولی‌عصر ارواحنا الفداء فراهم آید و از وجودشان عوالم دینی و مذهبی بهره‌مند گردند و اشخاصی باشند با شجاعت ایمانی و شهامت روحی انشاءالله تعالی نامه‌ای که حوزه علمیه چند وقت قبل که به وسیله پست فرستادم نرسیده است و الا ممکن نبود شکرگذار نشوم و اینکه به مراسم عید در خرم‌آباد رفتار نشده است.

البته مورد تقدیر و تمجید است و کاشف از احساسات ایمانی است و البته تاجر و ناراحتی طبقات اهالی از دوری حضرت آیت‌الله خمینی دامه‌برکاته حکایت از شدت علاقمندی‌شان به عالم روحانیت و بالخصوص به حضرت معظم‌الیه می‌باشد و هر اندازه متاثر و متالم باشند جای دارد تاکنون به اسماء عدیده اقداماتی راجع به مراجعت حضرت معظم‌الیه شده است. امید آنکه خدای متعال به اسرع وقت و احسن وجه ناراحتی‌ها را مرتفع سازد و انواع مشکلات را منحل بدارد و آبروی خود را به وطن مألوف عودت دهد و علیه سبحانه المتوکل و باماننا امامنا المهدی ارواحنا الفداء المتوسل.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

محمد حسین میلانی.

انقلاب در لرستان به روایت اسناد تاریخی

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

شماره: ۳۳۴۹
تاریخ: ۲۵۲۷/۴/۱
پیوست:

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۸۴)
از: سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
درباره شیخ مهدی قاضی فرزند رضا

صادر شماره ۳۱۲ و ۱۵/۳۱۵۱

پیرو شماره ۱۵/۳۱۴۴

۳۷/۵/۲۲

۳۷/۵/۲۱

بدنبال حادثه و ایجاد بلوا و اغتشاش شب مورخه ۱۳۵۷/۵/۱۸ خرم آباد باستناد تلفنگرام



شماره ۵۶۳۵ مورخه ۱۳۵۷/۵/۱۹ و تصمیمات متخذه شورای هماهنگی استان مقرر گردید که نامبرده بالا و فرزندش محمد قاضی فرزند مهدی دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری اعزام شوند که یاد شده دستگیر با توجه به شماره ۱۵/۳۱۵۱ تحت مراقبت مأمورین شهربانی و ژاندارمری لرستان به کمیته مشترک ضد خرابکاری اعزام و معرفی گردید و در بازرسی از محل سکونتش تعداد زیادی نوار کاست مضره از سخنرانی‌های روح‌اله خمینی، فلسفی، مکارم، و غیره کشف و صورت جلسه گردیده پیوست تقدیم می‌گردد، اینک از جهت شناسایی وضعیت و روحیه و خصوصیات و سوابق و فعل و انفعالات

سوء ضد امنیتی نامبرده و بهره‌برداری در مراحل بازرسی و تنظیم پرونده اتهامی شخص مزبور موارد مشروحه زیر باستحضار می‌رسد.

۱- سوابق موجود مشارالیه: از سال ۱۳۴۲ در زمره طرفداران جدی روح‌اله خمینی درآمده و در کسوت روحانی از همان سال با ایده و افکار انقلابی در پیشرفت امیال و طرح‌های خمینی فعالیت‌های حادی داشته و رفته‌رفته با نفوذ مادی و معنوی در بین جماعت روحانیت خرم‌آباد اکثر قریب باتفاق آنها را بسوی خود کشانده و با احراز مسئولیت حوزه علمیه خرم‌آباد جو روحانیت خرم‌آباد را بطرف خمینی گسترش داده و ضریب تبلیغات و فعالیت‌هایی در این مسیر داشته است. بعد از تبعید خمینی از مملکت دائماً وجوهی را از کسبه و بازاریان بعنوان حق امام

جمع‌آوری و از طریق قم و رابطین خمینی برای نامبرده بخارج از کشور ارسال داشته است. دخالت و رهبری وی تحت عنوان مسئول حوزه علمیه در آن سنوات بقدری نفوذی و انکارناپذیر بوده که بجز قاضی عسگر^۱

تیپ ۸۴ خرم‌آباد حتی یک روحانی در خرم‌آباد گرایش مثبت نداشته و در حال حاضر نیز وضع بهمین روال می‌باشد و همزمان با فعل انفعالات بالا از طریق کلاهبرداری و سوء استفاده از اراضی ملی و خرید و فروش زمین و ایجاد شهری بنام قاضی‌آباد در خرم‌آباد ثروت سرشاری انداوخته نموده‌اند که با اتکاء بهمین ضرورت و کمک دولت و اخذ وام قابل توجه دامنه فریب و انحراف بیشتر جوانان و طلاب و روحانیت را در خرم‌آباد فراهم نموده است.^۲

۱. قاضی عسگر: قاضی که قضاوت لشگر به عهده اوست.

۲. اظهارات ساواک وقت برخلاف واقعیت است. دانشمند مبارز حاج شیخ‌مهدی قاضی در ایجاد خانه‌های مسکونی، به صورت وام‌های کم‌هزینه و گاه قرض‌الحسنه برای اقشار کم درآمد، منازلی را در جنوب شرقی شهر خرم‌آباد ایجاد کرده است، که در آن مقطع تاریخی کمک شایانی به عمران و آبادی شهر خرم‌آباد بوده است.

۲- یاد شده به منظور به ثمر رسانیدن هر چه بیشتر اهداف سوء و مضره خود حدود سه سال قبل یکی از روحانیون افراطی و با سابقه و طرفدار جدی خمینی را بنام اسداله مدنی از همدان را بخرم آباد دعوت و با گماردن او بعنوان مسئول حوزه علمیه و حمایت و پشتیبانی او دامنه فعالیت‌های ضد ملی خود را گسترش تا جائیکه موجبات آلودگی عده زیادی از جوانان را فراهم سرانجام روحانی مزبور بلحاظ فعالیت‌های ضد



سازمان اطلاعات سپاه پاسداران
مردان

شماره: ...
تاریخ: ...
پوست: ...

ضمیمه ۱: بخرم آباد حتی با روحانی در خرم آباد گرایش مثبت نداشته و در حال حاضر نیز وضع به همین روال است. ...
سازمان اطلاعات سپاه پاسداران ...
مردان ...

۲- یاد شده به دستور رسانیدن هر چه بیشتر اهداف سوء و مضره خود حدود سه سال قبل یکی از روحانیون افراطی و با سابقه و طرفدار جدی خمینی را بنام اسداله مدنی از همدان را بخرم آباد دعوت و با گماردن او بعنوان مسئول حوزه علمیه و حمایت و پشتیبانی او دامنه فعالیت‌های ضد ملی خود را گسترش تا جائیکه موجبات آلودگی عده زیادی از جوانان را فراهم سرانجام روحانی مزبور بلحاظ فعالیت‌های ضد

امنیتی و تحریک‌آمیز بمدت سه سال اقامت اجباری محکوم و از خرم آباد تبعید گردید (سوابق نامبرده در اداره کل سوم موجود است) بعد از تبعید روحانی مزبور فعالیت‌هایی برای بازگرداندن او از طریق دادگستری استان و غیره داشته که منتج به نتیجه نگردیده است بطوریکه در عملیات

منبع ۱۵۸۵ مسموم میباید در مردادماه جاری به جهت انجام فعالیتهای سوء از طرف اسداله مدنی در محل تبعید یاد شده به یکی از مکانهای استان بوشهر تغییر مکان داده و بنا به پیشنهادات اخیر از آن محل نیز به مهاباد انتقال یافته که شیخ مهدی قاضی از جریان آگاه و چون از خرم آباد عبور داده می شود با تماس با عده ای از روحانیون طرفدار خود تا حدود شش کیلومتری جاده خرم آباد، اندیمشک باستقبال او رفته و آنگاه با اغفال و احتمالاً تطمیع مأمورین بدرقه محکوم مزبور وی را به منزل خود برده و مأمورین را بلحاظ اینکه مراقبت اوضاع و مذاکرات آنان نباشد بوسیله فرزندش محمد قاضی به بروجرد اعزام تا صبح روز بعد اسداله مدنی در بروجرد بآنها ملحق میشود. در آنشب جلسه ای با حضور اکثر روحانی های طرفدار خمینی در منزل شیخ مهدی قاضی برقرار و مذاکرات حادی فی مابین آنان مطرح بوده و صبح روز یاد شده محکوم مورد بحث را بوسیله فرزندش محمدقاضی (یار و یاور همیشگی شیخ مهدی قاضی خاطرات خود را در دفتر دیگری ان شاءالله بازگو می کنند) به بروجرد اعزام و تحویل مأمورین بدرقه می کند. طوری برنامه ریزی شده که یاد شده همزمان با برگزاری مجلس فاتحه آخوند ملاعلی که تظاهراتی را بدنبال داشت در همدان حضور و در مجلس ختم مزبور شرکت داده شود.

۳- شیخ مهدی قاضی از حدود هشت ماه قبل کارگردان برگزاری مجالس ختم واقعه قم،

تبریز، جهرم، یزد و غیره بوده و ضمن تماس با روحانیون قم و وصول اعلامیه هایی از آیات قم و روح الله خمینی و نوار سخنرانی او مجالس مزبور را در خرم آباد منعقد و بهره برداریهایی در این زمینه روی متعصبین مذهبی داشته و تبلیغات سوئی را به ثمر رسانیده است.

۴- متعاقب تبعید اسداله مدنی از خرم آباد شخص مزبور یکی دیگر از روحانیون طرفدار خود و خمینی را به نام شیخ عباسعلی صادقی (دستگیر



۳۰۱ / علما در روشنای تاریخ

شده در کمیته میباشد) که دارای سوابق عدیده‌ای در فعالیتهای مضره تحریک مردم میباشد و سوابق وی در ۳۲۳ متمرکز است و فرزندش نیز در زمره چریک‌های باصطلاح مجاهد بوده و متواری است، بعنوان سرپرست حوزه علمیه خرم‌آباد انتخاب و خود در خفا به تقویت او پرداخته است.

۵- یاد شده در سفر به عتبات عالیات ملاقاتهایی با روح‌اله خمینی داشته و حضوراً دستورات



وی را دریافت و در خرم‌آباد رواج داد. وی نماینده خمینی در خرم‌آباد میباشد.

۶- به‌استناد عملیات منبع ۱۵۸۵ نامبرده بدنبال تبعید چند نفر از روحانیون طرفدار خمینی از خرم‌آباد

از جمله سیدفخرالدین رحیمی، شیخ‌مهدی روشنی، سیدشکراله طاهری و غیره و عناوین مختلف خانواده‌های آنان را مورد حمایت قرار داده و وجوهاتی برایشان بمحل تبعید ارسال و اقداماتی نیز در جهت

گرفتن وکیل مدافع و نفوذ در دادگستری در جهت برائت آنان داشته است.

۷- چندی قبل برادرزاده وی بنام محمدتقی قاضی باتهام اقدام علیه امنیت کشور و تهیه و پخش اعلامیه‌های مضره دستگیر تعداد زیادی کاغذ استنسیل آماده برای چاپ و انتشار اعلامیه‌های مضره از وی کشف که نامبرده صراحتاً اعتراف نموده این کاغذها را عمویش شیخ‌مهدی قاضی در اختیار آنها گذارده است.

۸- پس از تبعید سیدفخرالدین رحیمی امام جماعت مسجد علوی خرم‌آباد که یکی از عوامل مؤثر شیخ‌مهدی قاضی و طرفدار روح‌اله خمینی بوده و سوابق مضره‌ای در ۳۱۲ دارد از خرم‌آباد شیخ‌مهدی قاضی مترصد بوده است برای جانشینی او یکی از روحانیون جنجالی و افراطی و

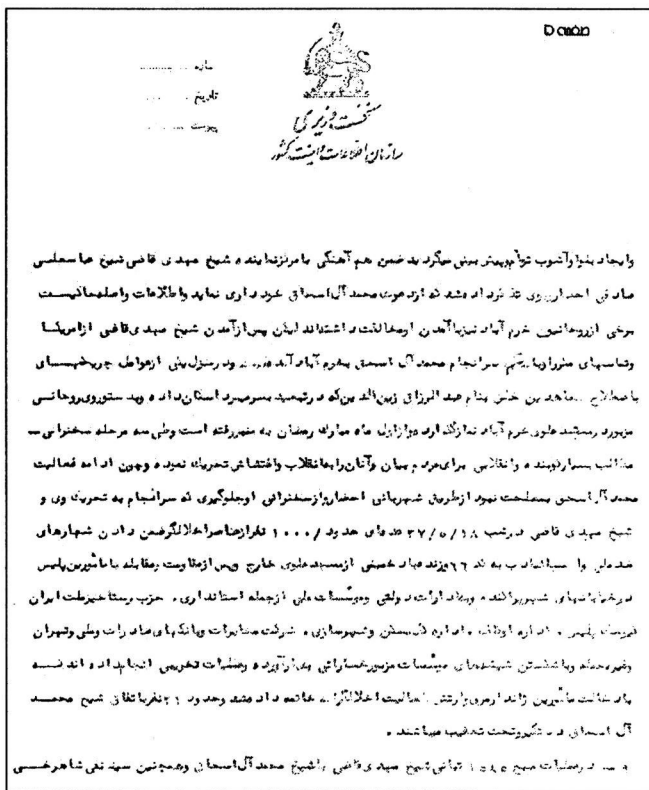
انقلابی ساکن قم را به خرم‌آباد دعوت نماید و قرار میشود شخصی بنام سیدحسن طاهری^۱ دعوت شود که چون با مخالفت عده‌ای مواجه میگردد منصرف و متعاقب آن در اواخر تیرماه جاری ضمن تماس و ارتباط تلفنی با یکی از روحانیون سابقه‌دار قم که اهل خرم‌آباد میباشد و تا حدودی نقش رابط روحانیون خرم‌آباد را با روحانیون قم بعهدہ دارد بنام سیدنقی شاهرخی^۲ زمینہ اعزام شیخ محمد آل اسحاق فرزند عبدالکریم که یکی از روحانیون با سابقه و ممنوع‌المنبر میباشد از قم به خرم‌آباد جهت امام جماعت مسجد علوی و سخنرانی در ماه مبارک رمضان فراهم مینماید (روحانی مزبور در محرم سال گذشته تظاهرات ضد ملی را در دزفول بپا کرده است و در حال حاضر در کمیته مشترک زندانی میباشد موضوع شماره $\frac{۸۱۵/۳۱۳۳}{۳۷/۵/۱۹}$ صادره به ۳۸۳ و خود وی در آن

زمان جهت دیدار فرزندش به آمریکا مسافرت کرده است و چون با توجه بسابقه روحانی مزبور آمدن وی بخرم‌آباد با تحریک جوانان و متعصبین مذهبی و ایجاد بلوا و آشوب توأم و پیش‌بینی می‌گردید ضمن هم‌آهنگی با مرکز نماینده شیخ‌مهدی قاضی شیخ عباسعلی صادقی احضار و بوی تذکر داده شد که از دعوت محمد آل اسحاق خودداری نماید و اطلاعات واصله حاکیست برخی از روحانیون خرم‌آباد نیز با آمدن او مخالفت داشته‌اند لیکن پس از آمدن شیخ‌مهدی قاضی از آمریکا و تماس‌های مکرر او با قم سرانجام محمد آل اسحاق به خرم‌آباد آمد و در منزل یکی از عوامل بنام عبدالرزاق زین‌الدین که در تبعید بسر می‌برد اسکان داده و بدستور وی روحانی مزبور در مسجد علوی خرم‌آباد نماز گذارد و از اول ماه مبارک رمضان به منبر رفته است و طی سه مرحله سخنرانی مطالب بسیار کوبنده و انقلابی برای مردم بیان و آنان را به انقلاب و اغتشاش تحریک نموده و چون ادامه فعالیت محمد آل اسحاق بمصلحت نبود از طریق شهربانی احضار و از سخنرانی او جلوگیری که سرانجام به تحریک وی شیخ‌مهدی قاضی در شب ۱۳۵۷/۵/۱۸ عده‌ای حدود ۱۰۰۰ نفر از عناصر اخلاک‌گرم ضمن دادن شعارهای ضد ملی و اسایه ادب به گد ۶۶ و زنده‌باد خمینی از مسجد علوی خارج و پس از مقاومت و مقابله با مأمورین پلیس در خیابان‌های شهر پراکنده و به ادارات دولتی و موسسات ملی از جمله استانداری، حزب رستاخیز ملت ایران، کیوسک پلیس، اداره اوقاف، اداره کل مسکن و شهرسازی، شرکت مخابرات و بانک‌های صادرات و ملی و غیره حمله و با شکستن شیشه‌های موسسات مزبور خساراتی ببار آورده و عملیات تخریبی

-
۱. منظور آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، روحانی و مجتهد برجسته کشور و عضو مجلس خبرگان رهبری می‌باشد.
 ۲. منظور آیت‌الله سیدمحمدنقی شاهرخی روحانی و عالم مجاهد که یکی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری می‌باشد.

انجام داده‌اند و با دخالت مأمورین ژاندارمری و ارتش به فعالیت اخلاک‌گرا نه خاتمه داده شد و حدود ۲۱ نفر باتفاق شیخ محمد آل اسحاق دستگیر و تحت تعقیب می‌باشند.^۱

۹- در عملیات صبح ۱۵۸۵ تبانی شیخ مهدی قاضی با شیخ محمد آل اسحاق و همچنین سیدنقی شاه‌رخ‌ی



۱. برای اطلاع بیشتر به مصاحبه آیت‌الله محمد آل اسحاق و حاج عبدالرزق زین‌الدین و حجت‌الاسلام حاج سیدمجید سیف‌السادات مراجعه کنید.

معرف آلسحاق به خوبی مسموع بوده و علناً سید نقی شاهرخ به شیخ مهدی قاضی می گوید به آل اسحاق و تمام وعظی که برای ماه مبارک رمضان از قم به شهرستان ها اعزام شده اند دستور داده شده به منظور عدم جلب توجه مأمورین تا ۱۸الی ۱۹ ماه رمضان قدری مواظب گفتار خود باشند و در آن روز کار خود را شروع نمایند که شیخ مهدی قاضی نظر میدهد آل اسحاق تا روز نهم الی دهم ماه رمضان به این رویه ادامه دهد آنگاه پس از جذب جوانان برنامه را شروع خواهیم کرد.

۱۰- در عملیات منبع ۱۵۸۵ نظرات سوء و طرفداری یاد شده از خمینی و سایر جهات و

فعالیت های پشت پرده مضره او مشهود و از هر حیث قابل بهره برداری در بازجویی و پرونده اتهامی او می باشد.

تصاویر

نام:
تاریخ:
پست:

سازمان اطلاعات و امنیت کشور
مجلس شورای اسلامی

مدیر:

مترجم آل اسحاق به همین مسموع بوده و علناً "سید نقی شاهرخ" به شیخ مهدی قاضی میگوید به آل اسحاق و تمام وعظی که برای ماه مبارک رمضان از قم به شهرستانها اعزام شده اند دستور داده شده به منظور عدم جلب توجه مأمورین تا ۱۹الی ۱۸ ماه رمضان قدری مواظب گفتار خود باشند و در آن روز کار خود را شروع نمایند که شیخ مهدی قاضی نظر میدهد آل اسحاق تا روز نهم الی دهم ماه رمضان به این رویه ادامه دهد آنگاه پس از جذب جوانان برنامه را شروع خواهیم کرد

۱۰- در رمضان که شیخ ۱۵۸۵ نظرات سوء و طرفداری یاد شده از خمینی و سایر جهات و فعالیت های پشت پرده مضره او مشهود و از هر حیث قابل بهره برداری در بازجویی و پرونده اتهامی او می باشد

۱- پس از استگیری شیخ محمد آل اسحاقی و اعزام وی به ضمیمه دفتر که در غربتباری شیخ مهدی قاضی شیخ محمد اسحاقی مادرش نورالدین رحیمی، سید جعفر ورامینی که از روحانیان با سابقه و طرفداران شیخ محمد اسحاقی میباشند و بعد از آنکه بگریز روحانیان از جمله سید محمد سید السادات (سید زاده) به دستور مقامات با دست و پا بستن در حیاطات سوء و تحریر بر روی جسد وی قتل و آتش زدن سید جعفر ورامینی را به باطل خود شن زبانی نخست بزرگترین بزرگواران امام سخنرانی در مسجد طوی بجای شیخ محمد آل اسحاقی انتخاب و قبل از شهادت مورخه ۳۷/۵/۲۰ بمیزان ۱- جلساتی در منزل: زوآند بن زکریا (۱۱ سنگر شده) تشکیل و علی آن ارتقا: روز انبیت عزم آباد در موت نبرد با لقب "مهره" ۳۷/۵/۲۰ در مسجد طوی متعین و احداثات خود را در حجب آزاد و شیخ محمد آل اسحاقی و متعین رفیق شهبازی استخوان و تحریر جوانان با انتشار از زبان آنها چند چوب احتضال صورت افتخار و شایستگی مهدی در دروغم آباد: چهار گردنند همین هم آهنگی مارکس شهبازی استخوان شیخ محمد اسحاقی حاد و بی سید جعفر ورامینی بشه زبانی اعدای آنان مذکور "از ادامه فعالیت و تحریرات"

۳۵-۱۱۰

۱۱- پس از دستگیری شیخ محمد آل اسحاق و اعزام وی به کمیته مشترک ضد خرابکاری شیخ مهدی قاضی، شیخ عباسعلی صادقی، نورالدین رحیمی، سیدجعفر ورامینی که از روحانیون با سابقه و طرفدار جدی خمینی می‌باشند و چند نفر دیگر از روحانیون از جمله سیدمجید سیف‌السادات (سیف‌زاده) و بمنظور مقابله با دولت و تحریک مردم جلسه‌ای تشکیل و باتفاق سیدجعفر ورامینی که به قول خودش زمانی نخست‌وزیر خمینی بود برای ادامه سخنرانی در مسجد علوی بجاننشینی شیخ محمد آل اسحاق انتخاب و قبل از ظهر مورخه ۱۳۵۷/۵/۲۰ مجدداً جلسه‌ای در منزل نورالدین رحیمی (دستگیر شده) تشکیل و طی آن از تمام روحانیت خرم آباد

دعوت کرده اند شب مورخه

۱۳۵۷/۵/۲۰ در مسجد علوی متحصن و اقدامات خود را در جهت آزادی شیخ محمد آل اسحاق و تعقیب رئیس شهربانی استان و تحریک جوانان باغتشاش دنبال نمایند چون احتمال می‌رفت اغتشاش و اخلاگری مجددی در خرم آباد ایجاد گردد لذا ضمن هماهنگی با رئیس شهربانی استان شیخ عباسعلی صادقی و سیدجعفر ورامینی به شهربانی احضار با آنان مذاکره که از ادامه فعالیت و تحریک مردم باغتشاش ممانعت نمایند و همچنین موازین قانونی مطروحه در دستورالعمل مرکز آنان تقسیم گردد که برابر صورت جلسه تنظیمی دو نفر



مزبور متفقاً اظهار داشتند تا پنج‌روز در مسجد علوی سخنرانی و متحصن شده خواستار تعقیب رئیس شهربانی استان و استخلاص شیخ محمد آل اسحاق می‌باشند و اگر ترتیب اثر داده نشود تا پای مرگ کفن پوشیده آماده مبارزه می‌باشند و اغتشاش وسیعی را براه خواهند انداخت تا اینکه در شب ۱۳۵۷/۵/۲۰ روحانیون فوق‌الذکر و تنی چند از طلاب از جمله شیخ مهدی قاضی و عده‌ای حدود ۲۰۰۰ نفر در مسجد علوی اجتماع و سیدجعفر ورامینی سخنرانی حاد و انقلابی ایراد و التیماutom پنج‌روزه خود را مطرح و ضمن انتقاد شدید از دولت و حکومت و نیروهای انتظامی گفته اگر دستگیر شود عشایر نورآباد دلفان چند پاسگاه را خلع سلاح و شهر خرم‌آباد به آتش و خون

کشیده می‌شود فعل انفعلات بالا پس از تصمیم‌گیری در جلسه قبل از ظهر، ۱۳۵۷/۵/۲ روحانیون مزبور از جمله شیخ مهدی قاضی، همزمان شیخ عباسعلی صادقی (دستگیر شده) و سیدمجید سیف‌السادات (سیف‌زاده) که دستگیر شده است در دو مسجد بطور جداگانه سخنرانی

تحریک آمیز و مضرری را ایراد و مردم را باغتشاش و بلوا تحریک نموده‌اند وضعیت بالا به مرکز منعکس تیمسار ریاست معظم ساواک مقرر فرمودند برابر تصمیمات متخذه در شورای هماهنگی با آنان رفتار شود که موضوع در شورای هماهنگی با اعلام اینکه ادامه وضعیت بالا و فعالیت روحانیون مزبور بخصوص شیخ مهدی قاضی و سیدجعفر ورامینی^۱، شیخ عباسعلی صادقی موجبات ایجاد اغتشاش وسیعی را در خرم‌آباد دنبال دارد مطرح و باتفاق تصمیم گرفته شد با نگرش به اوامر ملوکانه در مورد نحوه رفتار با روحانیون محرک و طرفدار خمینی و سایر



دستورالعمل‌های صادره از مرکز پنج نفر روحانی مزبور که عامل اصلی اغتشاش مورخه ۱۳۵۷/۵/۱۸ خورشیدی خرم‌آباد و تحریکات بعدش شناخته شده‌اند دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری مرکز اعزام و معرفی شوند.^۲ صبح روز ۱۳۵۷/۵/۲۱^۳ ضمن تماس تلفنی با آنان از

۱. شادروان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجعفر ورامینی، از روحانیون مبارز و انقلابی قدیم، که از نهضت پانزده خرداد تا وقوع انقلاب اسلامی و سال‌های جنگ تحمیلی عراق در نهضت اسلامی حضور فعال داشته است.
۲. جهت اطلاع بیشتر به مصاحبه‌های آیت‌الله صادقی و حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدمجید سیف‌السادات رجوع شود.
۳. منظور از سال ۳۷ در اسناد ساواک تغییر سال خورشیدی، به سال شاهنشاهی بوده که ۱۳۵۷ خورشیدی را آن زمان ۲۵۳۷ شاهنشاهی می‌نامیدند و بعد از انقلاب تقویم رسمی به سال و ماه خورشیدی بازگشت.

علما در روشنائی تاریخ / ۳۰۷

یادشدگان خواسته شد بعدازظهر بین ساعت ۱۶:۲۰ الی ۱۷:۰۰ دفتر رئیس شهربانی استان برای مذاکره حاضر شوند تا در این پوشش دستگیر و به مرکز اعزام گردند یادشدگان جلسه‌ای در منزل سیدمجید سیف‌السادات برقرار و اطلاع دادند شهربانی و ساواک و حتی ژاندارمری نخواهند آمد و حاضرند در استانداری مذاکره نمایند که سرانجام طرح ضربت دربارہ آنان در ساعت ۴ بامداد مورخه ۱۳۵۷/۵/۲۳ اجرا گردید. اکثر فعل انفعالات بالا در عملیات ۱۵۸۵ مسموع می‌باشد.

پس از دستگیری عناصر مزبور از جمله شیخ مهدی قاضی در شب ۱۳۵۷/۵/۲۳ عده‌ای از عناصر اخلاک‌گر و آشوب‌طلب که تحت تأثیر و تحریکات و تبلیغات سوء سیدجعفر ورامینی عامل شیخ مهدی قاضی قرار داشتند در جلوی مسجد علوی اجتماع و پس از دادن شعارهای ضد ملی و اسایه ادب به گد ۶۶ زنده‌باد خمینی خواستار آزادی شیخ مهدی قاضی و دیگر روحانیون دستگیر شده بوده و ضمن آن باخاطرهای پلیس وقعی نگذارده و با سنگ و چوب (به مأمورین حمله) بنا بگزارش شهربانی استان تیراندازی در مقابل مأمورین مقاومت و مأمورین شهربانی و ژاندارمری و تیپ بناچار مبادرت به تیراندازی هوایی نموده و اخلاک‌گران حدود سه الی چهار ساعت با مأمورین درگیر در نتیجه در این واقعه که مسبب اصلی آن شیخ مهدی قاضی، سیدجعفر ورامینی، شیخ عباسعلی صادقی، نورالدین رحیمی، سیدمجید سیف‌السادات (سیف‌زاده) بوده‌اند سه نفر از اخلاک‌گران کشته و چند نفر از مأمورین پلیس از جمله یک افسر مجروح و بستری گردیده‌اند.

در عملیات منبع ۱۵۸۵ کسب خبر شده که شخصی پس از اطلاع از دستگیری شیخ مهدی با شخصی تماس تلفنی برقرار و میگوید او می‌بایست حدود شش ماه یا چهار ماه قبل دستگیر می‌شد هزار مرتبه گفتم و نصیحت کردم که دست از این کارها بردارد.

۱۲- شیخ مهدی قاضی پس از واقعه ۳۷/۵/۱۸ (منظور سال ۱۳۵۷ خورشیدی است) خرم‌آباد با پسرش محمدقاضی که در حادثه اخلاک‌گرانه مزبور دخالت و نقش مؤثری داشته مذاکرات تلفنی برقرار و ضمن استماع گزارش وی از واقعه می‌گوید (ما بیدی نیستیم که باین بادها بلرزیم).

۱۳- مأمورین بدرقه شیخ محمد آل اسحاق از خرم آباد به کمیته مشترک ضد خرابکاری در

۹۸۱۵۵

شهرستان خرم آباد
مأمورین بدرقه شیخ محمد آل اسحاق

شماره: _____
تاریخ: _____
پوسته: _____

۱۲- شیخ مهدی قاضی پسر ایزدقچه ۱۸/۵/۳۷ خرم آباد با پسرعمو محمد قاضی که حاد نما علائق است
من مورد شناسایی و نقل و حرکت داشته بد اثرات ظلمی برقرار و ضمن استماع گزارش وی ایزدقچه میگردد چنانچه در این
شد و (باید) مستقیم که باین یاد حاصل شود.

۱۳- مأمورین بدرقه شیخ محمد آل اسحاق از خرم آباد به کمیته مشترک ضد خرابکاری در مراجعت گزارش
نموده باینکه مادرش را با سایر ائمه سبب بدین معنی من شیخ مهدی قاضی بوده است (عین گزارش شهرتانی
ضمیمه است).

۱۴- بانی دیگر از فرزندان آن شیخ مهدی قاضی که از مطبوعین درجه یک این سازمان خرم آباد
فامی تخلف از شیخ مهدی قاضی حاصل میگردد بدین معنی است که در تاریخ ۱۵/۵/۳۷ خرم آباد اطلاع دهنده (بد اثرات منور لاسلام
مشکوک میباشد)

۱۵- بانی دیگر از فرزندان آن شیخ مهدی قاضی که از مطبوعین درجه یک این سازمان خرم آباد
فامی تخلف از شیخ مهدی قاضی حاصل میگردد بدین معنی است که در تاریخ ۱۵/۵/۳۷ خرم آباد اطلاع دهنده (بد اثرات منور لاسلام
مشکوک میباشد)

۱۶- بانی دیگر از فرزندان آن شیخ مهدی قاضی که از مطبوعین درجه یک این سازمان خرم آباد
فامی تخلف از شیخ مهدی قاضی حاصل میگردد بدین معنی است که در تاریخ ۱۵/۵/۳۷ خرم آباد اطلاع دهنده (بد اثرات منور لاسلام
مشکوک میباشد)

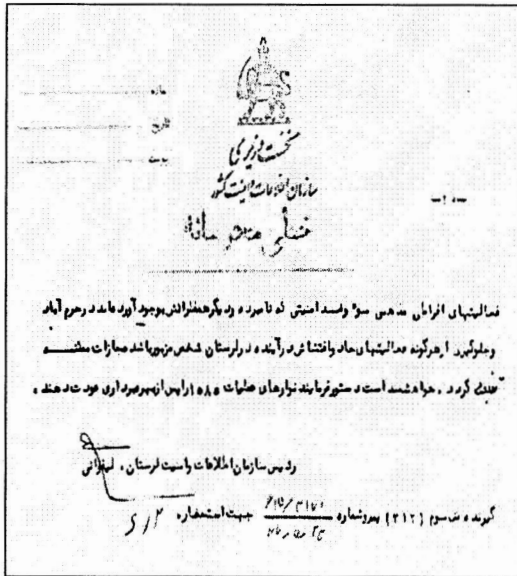
۱۱۶-۳۵

مراجعت گزارش
نموده اند یاد شده اظهار
داشته سبب دستگیری
من شیخ مهدی قاضی
بوده است (عین گزارش
شهرتانی ضمیمه است).

۱۴- یکی دیگر از
فرزندان شیخ مهدی
قاضی که از مطبوعین
درجه یک این سازمان
می باشد بنام هادی
قاضی تلفنی با شیخ
مهدی تماس حاصل و
می گوید با دکتر و
دوستانش تماس حاصل
هر چه زودتر آمار
تبعیدشدگان و
مشخصات آنان و آمار
دستگیرشدگان واقعه
۱۳۵۷/۵/۲۳ خرم آباد را

اطلاع دهید (مذاکرات مزبور کاملاً مشکوک می باشد)

علی هذا با اعلام اینکه در تحقیقات و بررسی های معموله و همچنین عملیات ۱۵۸۵ و
گزارشات شهرتانی استان محرک اصلی و حادثه اغتشاش خرم آباد متهم مزبور و دیگر همسنگران
او که دستگیر شده اند بوده اند بدینوسیله همین سه حلقه نوارهای عملیات ۱۵۸۵ و ۴۵/ برگ
محتویات نوارهای پیاده شده و همچنین گزارشات شهرتانی استان درباره شیخ مهدی قاضی و
حادثه های مورخه ۱۸ و ۲۳/۵/۱۳۵۷ خرم آباد و سایر مدارک دیگر و همچنین نوارهای مشکوک از
محل سکونت شیخ مهدی قاضی با صور تجلسه مربوطه پیوست تقدیم می گردد و باستحضار
می رساند یاد شده درخور مجازات شدیدی بوده و ضرورت کامل دارد بمنظور هم پاشیدگی جو



فعالیت‌های افراطی مذهبی
سوء و ضد امنیتی که نامبرده و
دیگر همفکرانش در خرم‌آباد
بوجود آورده‌اند و جلوگیری از
هرگونه فعالیت‌های حاد و اغتشاش
در آینده در لرستان شخص مزبور
به مجازات ممکنه تنبیه گردد.
خواهشمند است دستور فرمایند
نوارهای عملیات ۱۵۸۵ را پس از
بهره‌برداری عودت دهند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
لیقوانی

گیرنده سوم (۳۱۲) پیرو شماره ۶۱۵/۳۱۷۱
جهت استحضار ۳۷/۵/۳۳

نامه‌های امام خمینی و مراجع تقلید،
به حجت‌الاسلام قاضی، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

۲۹ صفر ۹۱

بسم الله

بزرگوارترین بزرگواران، در پیوسته، در تاریخ ۲۹ صفر ۱۳۹۱ قمری
 رقم‌برداشتی در تاریخ ۵۰۱۱۱۸ در شهر کربلا، قید می‌گردد که رقم‌برداشتی در شهر کربلا
 و چون تکویناً رسید به دست جواب دهی و ذکر که سرود چوین ۵۰۱۱۱۸
 کم، بی‌شک است تا غیر در جواب و علمت در از اوقات قبالت در دست
 در نکات تا برابر عهده که بسم الله تعالی و شکر کنیم در پیوسته
 در حق سبقت را بر ستم معین بشود در هر چه سبقت بر حق را بر ستم
 اصدق جامعه بر ستم ستمت فرهنگ اسلامی پیدا کند
 برابر فزونی معین در شهر همه با طراف بر ستم معین
 در وقت لا ادر علم در حق آنان را خوانم بر ستم
 در علمه فرماید با کوشش قبالت در حضرت آیدان بر ستم
 عالی ارتقا پیدا کند و بلیغ بدم ایمانیت کلمات بر ستم
 دستفین ابرویم تا علمت وقت قبالت است
 در جوهر ایمانیت را از دماغ علم بر ستم
 فرزند دلهای ستم

نامه‌ی امام خمینی درباره فرستادن مکاتبات به‌وسیله افراد مطمئن و پرهیز از ارسال نامه به‌وسیله‌ی پست و تأکید بر سه محور تهذیب اخلاق جامعه به‌وسیله مؤسسات فرهنگ اسلامی و فرستادن مبلغ مذهبی به اطراف برای تبلیغ احکام اسلام و کوشش حجت‌الاسلام و المسلمین قاضی و مدرسین برای ارتقا مدرسه علمیه کمالیه در ۲۹ صفر ۱۳۹۱ قمری

۲۵ مهر ۹۸
 بیجا

پسران اهل اسلام است مرقم تریف در هر سید روزی
 عالی در عرب است راجع علی بکر ارقم
 تریف می با حال مزاجی در کف درها
 که در این پنجاه ریح موضع عثمان تعمیر
 از نه لودنیا صلح امره سید از افراسیاب
 ضا از در در در دست تبعید غیر سر در
 فایضا سید احمد در ۵۰۰۰ در در
 تا دهه دیگر تا بود اگر است پنجم
 تریف با در نه در از اخبار ادرار
 رحمت کفر فراد بود سلام نیرا
 است ۵۰۰۰ پنجم تا ۵۰۰۰
 رحمت کفر فراد بود سلام نیرا

نامه پنهانی امام خمینی درباره تبعید غیرشرعی و غیرانسانی شهید آیت‌الله سید اسداله مدنی و امید بازگشت ایشان برای اداره مجدد حوزه علمیه و اشاراتی به برخی گرفتاری‌ها و حال مزاجی امام در تبعیدگاه عراق بیست و پنجم شعبان به سال ۱۳۹۸ قمری

۹ مهر ۱۳۹۲

بیان

دست خدایت به شهیدان
 در حق شریف و مهذب تمام جوانی با سر سرس و دین طهری علوم
 تقدیر کنیم از منادان تقوی و باطنی را غایت هم در اینکه خدایت
 سید الهام، معلم و مجرب بدین معنی که سید است در دست بر آید
 دعوت با حفظ و برقرار کردن که هم این نور آید در وجود
 شریف و سرور هم بر این است به آن اولیای هم راستی در هم آید
 و حضرات نفعند در سرس که از وجود ایشان بهره مند شوند
 و علا و باید از جانب ایشان که شکر کنیم که قبول این نعمت و از خواننده
 از منادان تقوی و در دست ایشان را غایت هم که با سر سرس
 بنام آن که در این راه با طهری که در سرس صلح نیست و هم آید
 جوانی در امور مدرسه فارغ و در خدمت علمی ایشان که مگر غایت
 حضور در ادای ورود و مکن است به بیای تمام امور معلول
 ایشان غایت هم به از اولیای هم هم این است در آن
 و حضور علماء و علم و نفعند هم که شکر کنیم که قبول این نعمت
 برانسته در خدمت ما به ایشان که در هر کس به دست آید

دست خدایت به شهیدان
 در حق شریف و مهذب تمام جوانی با سر سرس و دین طهری علوم
 تقدیر کنیم از منادان تقوی و باطنی را غایت هم در اینکه خدایت
 سید الهام، معلم و مجرب بدین معنی که سید است در دست بر آید
 دعوت با حفظ و برقرار کردن که هم این نور آید در وجود
 شریف و سرور هم بر این است به آن اولیای هم راستی در هم آید
 و حضرات نفعند در سرس که از وجود ایشان بهره مند شوند
 و علا و باید از جانب ایشان که شکر کنیم که قبول این نعمت و از خواننده
 از منادان تقوی و در دست ایشان را غایت هم که با سر سرس
 بنام آن که در این راه با طهری که در سرس صلح نیست و هم آید
 جوانی در امور مدرسه فارغ و در خدمت علمی ایشان که مگر غایت
 حضور در ادای ورود و مکن است به بیای تمام امور معلول
 ایشان غایت هم به از اولیای هم هم این است در آن
 و حضور علماء و علم و نفعند هم که شکر کنیم که قبول این نعمت
 برانسته در خدمت ما به ایشان که در هر کس به دست آید

نامه امام خمینی و اعلام مسرت از ورود آیت‌الله سید اسدالله مدنی برای سرپرستی حوزه علمیه خرم‌آباد و بهره‌مندی فضلا و مردم از وجود ایشان از سویی و تذکر به حجت‌الاسلام شیخ مهدی قاضی مبنی بر عدم کناره‌گیری ایشان از امور مدرسه علمیه خرم‌آباد و همکاری با شهید مدنی در سال ۱۳۹۲ قمری

بیت

میر خدایتی بجز خداوندی دنته بودم و مرا هیچ کس ندانست
 مرقم گفتم که ملک در ملک فریب بریف ده و نفعه ارا را نبی بود
 در وقت داد کرد و قوی دست خدای را خورست
 راجع به یادگونی حقوق بتانی بر طوره جنای اصمعی میباشند
 عهدنامه موجب بر وقت و در این باب است همه است
 فداوند ملک دنیا به فرامرز خلافت تها شدت لغوی
 که دارد باید تصویر شد که امید است فداوند را
 خدای را بفرایه و تاد مارا در روزی هر کس ارا را
 حنیف قرار در دست خدای

نامه امام خمینی به حجت الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی در مورد پرداخت حقوق آقایان و تشکر از شدت گرفتاری آقای قاضی در رسیدگی به امور خدمتگزاری به دین حنیف

بسم الله

خدمت جناب آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رفیعی دامت برکاته

بعضی زیاده مرقومه کتابی که صادر از نعت حیر بود بر وجهی که

شما می و کتبی که مرقم شد بعد جواب داده و بعضی رسید نیز خوب از سال

گذرد از خدای سال دو لم رفیعی کتاب یا خوستار و مسموع

و بسم علیکم در وجهی و در باب تاریخ حاج آقا محمد رفیعی

۴ رجب
۱۵

بِسْمِ اللَّهِ

عذرت من ترفیت جانیده بسپارم و صبح من قدری در آن
 بعضی زبان منگرف بر یک ترف با عابدی در آن
 تشکر گویید و چون طلوع صبح شد که مگر هفت
 در میانند چنانچه زده مگر هفت پر از اینها نیست
 زنده اند از خواب بگریخته خود در سر در زنده اند تا
 رفیقیت بجانب بار عذرت بجز مندمه علی خرم آباد
 حیات و عمر و اسم و نسب و غیره در آن
 رجب چهارم

نامه امام خمینی درباره ممانعت ساواک از ارسال تلگرافات ایشان به ایران و بالعکس در چهارم رجب یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج

شماره: ۶۴۷۴

تاریخ: ۱۹/ ۵

پریت: —



جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در گذشت عالم خدمتگزار و ایثارگر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای
حاج شیخ مهدی قاضی رحمة الله علیه را به خاندان مکرم ایشان و به همه ی ارادتمندان
این شخصیت روحانی دانا و توانا تسلیت عرض میکنم. خدمات برجسته ی این
روحانی پرتلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری
اسلامی، از ایشان، شخصیتی کم نظیر در جامعه ی روحانیت و حوزه های علمیه پدید
آورده بود و در گذشت ایشان، فقدانی تأسفبار است.
از خداوند متعال رحمت و مغفرت و اجر جزیل برای تلاش خستگی ناپذیر
و فداکارانه ی این روحانی عالیقدر مسألت میکنم.

سیدعلی خامنه ای

۱۳۸۸/آذر/۵

بسمه تعالی

بیت محترم مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قاضی خرم‌آبادی
فقدان اسفناک عالم ربّانی و سختکوش و پرتلاش و مخلص و مجاهد حضرت
حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قاضی (رضوان‌الله‌علیه) را به جامعه روحانیت قم و
اهالی محترم خرم‌آباد و اساتید و دانشجویان دانشگاه قم و به آن بیت محترم
صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

مرحوم قاضی عالمی بود مدیر و مدبّر و با اخلاص و خدوم که سی سال دانشگاه
قم را به طور آبرومندی سرپرستی کرد بی‌آنکه ذره‌ای از حقوق، مزایا و پاداش
استفاده کند. از هر گونه تظاهر خودداری می‌کرد و با تمام وجود در خدمت
دانشجویان و اساتید آن دانشگاه بود بسیار با همت و متواضع و حق‌شناس و عاشق
اسلام و مکتب اهل بیت (ع) بود.

خداوند روح پاکش را با ارواح و اولیاءالله محشور گرداند و به همه بازماندگان صبر و
اجر فراوان عنایت فرماید.

آیت‌الله مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

« إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ »

درگذشت عالم فرزانه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ‌مهدی قاضی طاب‌ثراه
موجب تأسف و تحسّر شد. معظم‌له از بیت علم و تقوی برخاسته و پس از تحصیل
مراتب عالی دانش و اخلاق، عمر خویش را یکسره به انجام خدمات علمی و
اجتماعی دینی گذراند. و زندگی پر بار او مصداق آیه شریفه «والباقیات خیر عند
ربک و خیر أملاً» است، عاشر سعیداً و مات سعیداً.

درگذشت فقید سعید را به علمای اعلام و آیات عظام حوزه‌های علمیه و اساتید
دانشگاه قم تسلیت می‌گوییم و از درگاه خداوند منان، برای آن مرحوم غفران و علو
درجه و برای بازماندگان ایشان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانم.

قم - مؤسسه امام صادق (ع)

آیت‌الله جعفر سبحانی

آیت‌الله موسوی اردبیلی با صدور پیامی، از سال‌ها خدمات مرحوم آیت‌الله قاضی در مدیریت حوزه تجلیل کرد.

فرازی از پیام آیت‌الله موسوی به این شرح است:

درگذشت عالم ربانی و خدمتگزار خستگی‌ناپذیر، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قاضی‌خرم‌آبادی موجب تأسف و تأثر گردید. این شخصیت بزرگوار که سال‌های عمر شریفش به تحصیل، تدریس، تحقیق و مدیریت علمی و خدمات فراوان عام‌المنفعه گذشت از علمای خیراندیش و روشن‌بینی بود که جامعه ما به امثال او سخت محتاج است.

اینجانب سال‌ها شاهد انضباط، سخت‌کوشی و احتیاط او بودم. در تمامی مدت خدمت و خصوصاً تلاش برای عفو و آزادی محکومان، دیناری از اموال دولتی و عمومی استفاده نکرد بلکه می‌کوشید استفاده‌های قهری از بیت‌المال را نیز جبران کند. زندگی زاهدانه در عین برخورداری مادی خانوادگی، پرهیز از خودنمانی و هیاهو، حریت و استقلال فکری و تلاش برای توسعه و پیشرفت علمی جامعه از حسنات آن مرحوم بود. تأسیس دانشگاه قم به همت والای او صورت گرفت و سال‌ها خدمات او در مدیریت حوزه فراموش ناشدنی است.

اینجانب این مصیبت را به بازماندگان و بیت شریف آن مرحوم و علمای اعلام حوزه‌های علمیه و دانشگاهیان و همه ملت شریف ایران خصوصاً مردم غیور لرستان تسلیت عرض نموده و برای ایشان علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.